



مشاور امنیت ملی

از شرکت افغانستان در نشست‌های مسکو و استانبول خبر داد

صفحه ۲

سفیر سوریه انتقال بشار اسد به مسکو برای درمان کرونا را تکذیب کرد

صفحه ۶

عمرین لادن،

هنرمندی که جهاد را ترک کرد^(۱)

گفت و گو با نقاشی که

فرزند بدنام‌ترین تروریست جهان است



صفحه ۷

منافع ترکیه

در مذاکرات صلح افغانستان

آنگارابه دنبال چیست؟

صفحه ۸

یادداشت روز

افغانستان همچنان مسئله غیرنظامیان

در تازه‌ترین رویداد دو شب پیش در هرات انفجاری بزرگی این شهر را لرزاند. در نتیجه انفجار یک موتر بمب در منطقه حوزه چهاردهم پولیس دست کم هشت نفر کشته و بیش از ۵۰ نفر دیگر زخمی شدند. قربانیان رویداد بیشتر غیرنظامیان و افراد ملکی‌اند؛ به‌شمول زنان و کودکان. براساس اعلام نهادهای مسئول صحتی در هرات وضعیت شماری از زخمیان این رویداد وخیم است. بسیاری از خانه‌ها بر اثر این انفجار نیرومند فرو ریخته است. نیروهای امدادی پس از وقوع حادثه موفق شدند دو کودک را از زیر آوار نجات دهند. انفجار به حدی قوی بوده که به گزارش رسانه‌ها صدای آن در سراسر شهر هرات شنیده شده است. این رویداد یک فاجعه تمام‌عیار امنیتی بوده است.

انفجار دو شب پیش هرات نمونه‌ای از گستردگی دامن جنگ و خشونت در افغانستان است. هر روزه خبرهای از رویدادهای مرگبار امنیتی ذهن و ضمیر شهروندان را نگران‌تر می‌کند. روزانه چه در میدان جنگ و یا بیرون از ساحه جنگی ده‌ها تن جان‌شان را از دست می‌دهند. آمارهای رسمی نشان می‌دهد در حال حاضر روزانه در افغانستان تا مرز...

۲



شورای امنیت سازمان ملل:

حملات هدفمند در افغانستان باید فوراً متوقف شود

۲

مسئول اتحادیه‌ی ژورنالیستان در بامیان توسط کارمندان رادیو و تلویزیون ملی لت و کوب شد

اطلاعات روز: اتحادیه‌ی ملی ژورنالیستان افغانستان تأیید می‌کند که اسحاق اکرمی، مسئول این اتحادیه در ولایت بامیان توسط کارکنان اداری و...

۶

کودک‌های میانمار؛ هشت نفر دیگر در اعتراضات خیابانی کشته شدند



۴

تحلیل

جدال هویت و سیاست^(۱)

اشاره‌ای به وضع اکنون و آینده‌ی سیاسی و فرهنگی هزاره‌ها در پاکستان

در سال‌های اخیر اقلیت قومی هزاره در پاکستان که عمدتاً در ایالت بلوچستان ساکن‌اند، پیوسته مورد حملات تروریستی گروه‌های افراطی قرار داشته‌اند. آخرین مورد از این دست حملات، قتل ۱۱ نفر کارگر هزاره در معدن زغال در منطقه مچ بولان بود که در تاریخ ۱۴ ماه جدی سال ۱۳۹۹ اتفاق افتاد و بیش از یک هفته دولت پاکستان خود و در پیوند با گسترش تروریسم و...

۵

میزش



تداوم مبارزه:

صلح و برابری جنسیتی

با توجه به شرایط حاکم، زنان افغانستان در ۲۰ سال گذشته با پذیرفتن دشواری‌های زیاد به دستاوردهایی رسیده‌اند که امروز با دوره‌ی حاکمیت رژیم طالبان دست‌کم تفاوت دارد. اما کشتار هدفمند زنان خبرنگار و اهل رسانه، کارمندان دستگاه عدلی-قضایی و...

۳

دوئل غوریانی و حکومت؛ پهلوه‌های پنهان از یک لشکرکشی سنگین

هنوز بسیاری از ساکنان محل از حمله نیروهای امنیتی برای گرفتاری حبیب‌الله غوریانی در جبرئیل هرات در شوک به‌سر می‌برند. برای این پرسش که چرا نیروهای امنیتی برای گرفتاری یک متهم با چنان شدت و حدت در منطقه مسکونی عملیات نظامی انجام داد، پاسخ روشنی ارائه نشده است. حالا با گذشت بیش از ۱۲ روز از عملیات چندساعته‌ی نیروهای امنیتی، سنگینی و پهلوه‌های تازه‌ی این ماجرا روشن می‌شود. کمیسیون حقوق بشر اعلام کرده است که نیروهای امنیتی برای بازداشت غوریانی از قوه قهریه به‌شکل «نامناسب» استفاده کرده‌اند.

در تازه‌ترین مورد شماری از ساکنان محل درگیر در گفت‌وگو با اطلاعات روز مدعی‌اند که در زمان درگیری نیروهای امنیتی از آنان در جنگ به‌عنوان سپر انسانی استفاده...

بسته‌های ویژه اینترنتی برای بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی

AFGHANET

Info@afghanet.com | +93 (0) 797 777 275

ادامه‌یادداشت‌روز

۷۵ نفر به‌شمول نظامیان و غیرنظامیان کشته می‌شوند. در شرایطی که هنوز فصل جنگ در افغانستان شروع نشده، این میزان بالایی از خشونت نگران‌کننده است. افغانستان همچنان مسلخ غیرنظامیان است. شواهد و گسترده‌گی جنگ نشان می‌دهد بهار خونین در افغانستان کلید خورده است.

این روزها دوباره تلاش برای از سرگیری گفت‌وگوهای صلح شدت بیشتری گرفته است. دولت جدید امریکا در تلاش است رویکرد بهتری برای به نتیجه‌رساندن روند صلح افغانستان اختیار کند. نماینده ویژه امریکا این روزها به‌شدت سرگرم رفت‌وآمد میان کابل و دوحه و کشورهای دخیل در روند صلح افغانستان است. هدف اساسی این تلاش‌ها راه‌افتادن قطار نیمه‌راه صلح است. اما تا زمانی که برای کاهش خشونت‌ها راه حل سنجیده نشود، این تلاش‌ها بارها مثل گذشته شکست خواهد خورد. یک دلیل اصلی که روند مذاکرات دوحه تا کنون نتیجه تداشته برمی‌گردد به خشونتی که همزمان با مذاکرات ادامه داشته است.

در تلاش تازه امریکا یک مسأله‌ی مهم به چشم می‌خورد؛ طرحی برای کاهش ۹۰ روزه خشونت‌ها در آستانه عملیات بهاری طالبان. ظاهراً این طرح ساخته شده است. برای تطبیق این طرح نباید هیچ فرصتی از دست برود. لزوم آغاز کاهش خشونت‌ها فوریت دارد. هرچه دامن خشونت‌ها گسترده‌تر شود، جمع‌کردن طرح جدید به همان اندازه دشوارتر می‌شود. طالبان برای حملات بهاری‌شان آمادگی می‌گیرند. دولت افغانستان نیز برای جنگ آماده می‌شوند، پیش از این‌که دولت افغانستان و طالبان در بهار در میدان خونین جنگ به مصاف هم بروند، برای کاهش خشونت‌ها چاره‌سنجی و همه طرف‌ها به خویش‌ن‌داری دعوت شوند.

طرف دیگر ماجرا حکومت افغانستان است. اگر طالبان قادر شوند ناامنی و حملات انفجاری را در شهرها ادامه دهند، کار برای نیروهای امنیتی سخت‌تر خواهد شد. ضعف حکومت در جلوگیری از حملات انفجاری در شهرها نگران‌کننده است. طالبان می‌خواهند با راه‌اندازی موجی از حملات انفجاری در درون شهرها، افغانستان را از پا بیندازند. اما در مقابل نهادهای امنیتی در کشور به ناتوان‌ترین نهادها در افغانستان بدل شده‌اند. رویداد دو شب پیش هرات اگر از یک طرف نتیجه‌ی جنگ‌طلبی دشمن است، از طرف دیگر پیامد ضعف

نهادهای کشفی و امنیتی در هرات نیز است. ناکامی‌های کشفی و استخباراتی نهادهای امنیتی مردم را خسته کرده است. پرسش بسیاری از شهروندان از حکومت افغانستان این است که چه آمادگی برای شدت جنگ دارد. آیا با همین نابه‌سامانی استخباراتی و مدیریت آشفته‌ی جنگ پیروزی بر طالبان ممکن است. آیا افغانستان به سمت سناریویی می‌رود که طالبان بتوانند مناطق بیشتری را به تصرف خود درآورند؟ پیروزی در جنگ به برنامه و مدیریت نیاز دارد، نه به خطابه آتشین سیاسی از پشت تریبون.

در نامه وزیر خارجه امریکا به رییس‌جمهور غنی از بدتر شدن وضعیت امنیتی و حتا سقوط افغانستان در کام یک هرج‌ومرج سیاسی هشدار داده شده است. پیام سیاسی لحن تند نامه وزارت خارجه امریکا به حکومت افغانستان این است که در صورت مخالفت با طرح جدید امریکا حکومت کنونی را به حال خودش خواهد گذاشت. اکنون که رییس‌جمهور غنی و معاون اول او این طرح را کاغذپاره و سند ننگین خوانده‌اند سینه‌ی چه کسی در معرض هزار زخم دشمن است. شهروندان هر روز در خون غرق‌اند یا مقام‌های پشت موانع بزرگ کانکریتی در ارگ و صدارت؟

اطلاعات روز: شورای امنیت سازمان ملل متحد نسبت به افزایش خشونت‌ها و حملات هدفمند در افغانستان ابراز نگرانی کرده و خواستار توقف فوری این حملات شده است.

اعضای شورای دفتر سازمان ملل متحد دو روز پیش (جمعه، ۲۲ حوت) با نشر اعلامیه‌ای گفته است که این نوع حملات غیرنظامیان، کارمندان غیرنظامی دولت، فعالان رسانه‌ای، کارکنان نهادهای عدلی و قضایی، کارکنان نهادهای صحتی، فعالان حقوق بشر، زنان و اقلیت‌های مذهبی و قومی را هدف قرار می‌دهد.

در اعلامیه، حملات هدفمند «شنیع» خوانده و محکوم شده است. اعضای

شورای امنیت سازمان ملل متحد همچنان خواستار محاکمه‌ی فوری و حتمی عاملان این حملات شده‌اند.

آنان تأکید کرده‌اند که باید تمامی طرف‌ها در هر شرایطی به تعهدات خود از جمله حمایت از غیرنظامیان و قوانین بین‌المللی بشردوستانه احترام بگذارند. در اعلامیه گفته شده است که حملات هدفمند، مصداق جنایت جنگی است.

در همین حال، اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد گفته‌اند که صلح پایدار در افغانستان تنها از طریق روند صلح به رهبری و مالکیت افغان‌ها به‌منظور دستیابی به آتش‌بس دائمی و جامع و همچنان یک توافق سیاسی فراگیر

شورای امنیت سازمان ملل: حملات هدفمند در افغانستان باید فوراً متوقف شود

به‌هدف ختم جنگ تأمین می‌شود.

آنان همچنان تأکید کرده‌اند که زنان در این روند باید به‌گونه‌ی معنادار و برابر اشتراک داشته باشند.

از سویی هم، در اعلامیه طرف‌های شامل در مذاکرات به اقداماتی به‌هدف اعتمادسازی، کاهش خشونت و حسن‌نیت مداوم ترغیب شده‌اند.

اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد همچنان در این اعلامیه نسبت به تهدید تروریسم برای افغانستان و منطقه ابراز نگرانی کرده‌اند.

وزارت خارجه‌ی افغانستان از اعلامیه‌ی شورای امنیت سازمان ملل متحد استقبال کرده و آن‌را در مطابقت کامل

تلفات انفجار جمعه‌شب در شهر هرات به هشت کشته و ۵۴ زخمی افزایش یافت

یک عراده موتر نوع فلانکوچ بمب‌گذاری شده حوالی ساعت ۹:۰۰ دو شب پیش در ساحه‌ی نزدیک حوزه‌ی چهاردهم شهر هرات منفجر شد. شدت این انفجار به حدی گزارش شده است که در شعاع چند کیلومتری آن شیشه‌ی خانه‌های مسکونی شکسته است. همچنان ده‌ها خانه‌ی مسکونی در اطراف محل این رویداد تخریب و یا خساره‌مند شده است. وزارت داخله دو شب پیش طالبان را مسئول این حمله‌ی موتر بمب اعلام کرد. گروه طالبان اما تا کنون در این مورد چیزی نگفته است.

مشاور امنیت ملی از شرکت افغانستان در نشست‌های مسکو و استانبول خبر داد

که «حکومت موقت کدام دردی را دوا نمی‌کند». او گفت که حکومت افغانستان می‌خواهد به صلح برسد و طرف‌هایی که از صلح فرار می‌کنند، موضوعات دیگری از جمله حکومت موقت را مطرح می‌کنند. او تأکید کرد که در حال حاضر آمادگی طالبان برای رسیدن به صلح واقعی در افغانستان را مشاهده نمی‌کند.

دو روز پیش ماریا زاخارووا، سخن‌گوی وزارت خارجه روسیه گفته بود: «ایجاد یک دولت موقت فراگیر راه حلی منطقی برای ادغام طالبان در فضای مسالمت‌آمیز سیاسی افغانستان است.»

او اما گفته بد که این تصمیم باید توسط خود افغان‌ها گرفته شود و توافق از طریق برنامه‌ی مصالحه‌ی ملی و مذاکرات به دست آید.

دو روز پیش وزارت خارجه‌ی افغانستان نیز گفته بود که نمایندگان این کشور در نشست صلح مسکو شرکت می‌کنند.

از سوی هم، قرار است نشست دیگری در پیوند به صلح افغانستان در ماه اپریل سال جاری در شهر استانبول ترکیه برگزار شود.

مولود چاووش اوغلو، وزیر خارجه‌ی ترکیه دو روز پیش اعلام کرد که نشست استانبول جایگزین نشست دوحه نه، بلکه مکمل آن است و در هماهنگی با دولت قطر برگزار می‌شود.

مشاور امنیت ملی در بخشی از صحبت‌هایش به موضوع روسیه در مورد ادغام طالبان در دولت موقت افغانستان واکنش نشان داد.

آقای محب در این نشست خبری گفت

این گروه در دوحه در نشست‌های مسکو و استانبول شرکت کند، به نمایندگی از دولت افغانستان نیز هیأت مذکره‌کننده‌ی این کشور، شرکت خواهد کرد.

مشاور امنیت ملی کشور تأکید کرد که تصمیم شرکت حکومت افغانستان در این دو نشست قطعی شده است.

نشست مسکو در مورد صلح افغانستان قرار است به تاریخ ۱۸ ماه جاری میلادی (مارچ) برگزار شود.

روسیه قبلاً از رهبری حکومت افغانستان، شورای عالی مصالحه‌ی ملی و شماری از چهره‌های سیاسی و رهبران احزاب برای شرکت در این نشست دعوت کرده است. از شماری از کشورهای منطقه و ایالات متحده‌ی امریکا و گروه طالبان نیز برای شرکت در این نشست دعوت شده است.

اطلاعات روز: حمدالله محب، مشاور امنیت ملی می‌گوید که حکومت افغانستان در نشست‌های مسکو و استانبول که قرار است در پیوند به صلح افغانستان برگزار شود، شرکت می‌کند.

آقای محب که دبروز (شنبه، ۲۳ حوت) در یک نشست خبری مشترک با وزیر داخله، رییس عمومی امنیت ملی و رییس ستاد ارتش کشور در کابل صحبت می‌کرد، همچنان گفت که در حال حاضر وزارت خارجه و شورای عالی مصالحه‌ی ملی کار می‌کنند تا سطح اشتراک دیگر کشورها و طالبان در این نشست‌ها مشخص شود. محب افزود که افغانستان با توجه به سطح اشتراک طالبان در این نشست‌ها هیأت تعیین خواهد کرد. به گفته‌ی او، اگر از طرف طالبان هیأت مذاکره‌کننده‌ی

صلح افغانستان؛

وزیر خارجه امریکا با دبیرکل سازمان ملل گفت‌وگو کرد

برای پیشبرد سریع و اساسی موضوعات به‌سوی یک توافق و آتش‌بس دائمی و جامع، دولت امریکا به دنبال تلاش‌های دیپلماتیک در سطح ملی، منطقه‌ای و سازمان ملل است.

بلینکن در این نامه نوشته بود که کشورش از سازمان ملل خواهد خواست که برای بحث بر سر رویکرد مشترک حمایت از صلح افغانستان، وزیران خارجه‌ی روسیه، چین، پاکستان، ایران، هندوستان و امریکا را گردهم جمع کند.

از سوی هم، قرار است در ماه اپریل سال جاری نشست در سطح بالای رهبری دولت افغانستان و گروه طالبان در شهر استانبول ترکیه که در نامه‌ی بلینکن نیز به آن اشاره شده بود، برگزار شود. طبق گزارش‌ها، قرار است مدیریت این نشست را سازمان ملل متحد بر عهده داشته باشد.

اطلاعات روز: آنتونی بلینکن وزیر خارجه‌ی ایالات متحده‌ی امریکا با آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد گفت‌وگو کرده است. روند صلح افغانستان و مسایل مرتبط به برما و اتیوپی از محورهای بحث دو طرف در این گفت‌وگو بوده است.

وزارت خارجه‌ی امریکا در اعلامیه‌ای گفته است که آقای بلینکن از دبیرکل سازمان ملل به‌خاطر تعهد این سازمان در کمک به پیشبرد گفت‌وگوها به‌منظور دستیابی به یک توافق سیاسی عادلانه و دوامدار و همچنان آتش‌بس دائمی و جامع سپاسگزاری کرده است.

در اعلامیه جزئیات بیشتری در این مورد ارائه نشده است. این درحالی است که پیش از این آنتونی بلینکن در نامه‌ای به رییس‌جمهور اشرف غنی و عبدالله عبدالله رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی گفته بود که

مسئول اتحادیه‌ی ژورنالیستان در بامیان توسط کارمندان رادیو و تلویزیون ملی لتوکوب شد

او افزوده است: «در غیر آن صورت (عدم بررسی لتوکوب اکرمی) برداشت ما این خواهد بود که افراد و حلقاتی در سطح رهبری ولایت بامیان با طرح توطئه و دسیسه در پی تحدید آزادی بیان و محدودسازی عرصه برای فعالیت بدون سانسور رسانه‌ها است.»

الیاس طاهری، دیگر خبرنگار محلی در بامیان نیز گفته است که در ماه‌های اخیر عرصه برای فعالیت خبرنگاری در بامیان، تنگ‌تر شده است. او گفته است که در حال حاضر فضا برای فعالیت رسانه‌ای در این ولایت، شدیداً نگران‌کننده است.

اما پولیس تاکنون در این مورد اقدامی نکرده است.

رادیو و تلویزیون ملی در این مورد حاضر به پاسخ‌دهی نشد و درخواست ارسال فورم دسترسی به اطلاعات را از روزنامه

اطلاعات روز کرد. خبرنگاران محلی در ولایت بامیان به لتوکوب آقای اکرمی توسط کارکنان رادیو و تلویزیون ملی واکنش نشان

داده‌اند. زمان احمدی، از خبرنگاران محلی در این ولایت گفته است که باید این رویداد به‌صورت فوری و بی‌طرفانه بررسی شود.

بستری است و وضعیت صحتی‌اش نیز خوب گزارش شده است.

او توضیح داد: «آقای اکرمی صبح در دفتر اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان در بامیان بوده است. شش یا هفت نفر از کارکنان اداری و تخنیک‌ی تلویزیون ملی به دفتر آمده‌اند. ابتدا او را دو و دشنام داد، بعد با آقای اکرمی درگیر شده و او را لتوکوب کرده‌اند.»

در همین حال، رییس اتحادیه‌ی ژورنالیستان افغانستان گفت که این موضوع از سوی اسحاق اکرمی با فرماندهی پولیس بامیان نیز شریک شده،

اطلاعات روز: اتحادیه‌ی ملی ژورنالیستان افغانستان تأیید می‌کند که اسحاق اکرمی، مسئول این اتحادیه در ولایت بامیان توسط کارکنان اداری و تخنیک‌ی رادیو و تلویزیون ملی لتوکوب شده است.

فهمید دشتی، رییس اجرایی اتحادیه‌ی ملی ژورنالیستان افغانستان به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد قبل از چاشت دبروز (شنبه، ۲۳ حوت) در شهر بامیان رخ داده است.

آقای دشتی افزود که اسحاق اکرمی هم‌اکنون در شفاخانه‌ای در بامیان

واجد روحانی - هرات

هنوز بسیاری از ساکنان محل از حمله نیروهای امنیتی برای گرفتاری حبیب‌الله غوریانی در جبرئیل هرات در شوک به سر می‌برند. برای این پرسش که چرا نیروهای امنیتی برای گرفتاری یک متهم با چنان شدت و حدت در منطقه مسکونی عملیات نظامی انجام داد، پاسخ روشنی ارائه نشده است. حالا با گذشت بیش از ۱۲ روز از عملیات چندساعته‌ی نیروهای امنیتی، سنگینی و پهلوهای تازه‌ی این ماجرا روشن می‌شود. کمیسیون حقوق بشر اعلام کرده است که نیروهای امنیتی برای بازداشت غوریانی از قوه قهریه به شکل «نامناسب» استفاده کرده‌اند.

در تازه‌ترین مورد شماری از ساکنان محل درگیر در گفت‌وگو با اطلاعات روز مدعی‌اند که در زمان درگیری نیروهای امنیتی از آنان در جنگ به‌عنوان سیر انسانی استفاده کرده‌اند. شاهدان مدعی‌اند که نیروهای امنیتی پس از گرفتاری دو محافظ حبیب‌الله غوریانی، آن‌ها را تیرباران کرده‌اند. همچنان شماری از زخمیان این رویداد می‌گویند با هزینه شخصی ناگزیر شده‌اند خود را تداوی کنند.

غیرنظامیان، سیر انسانی نیروهای امنیتی

برخی از شاهدان عینی رویداد شهرک جبرئیل مدعی‌اند که نیروهای دولتی از آنان به‌عنوان سیر انسانی برای بازداشت حبیب‌الله غوریانی استفاده کرده‌اند.

جمعه‌خان اخلاقی به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که با ده‌ها تن دیگر برای پدرمیانی میان حکومت و حبیب‌الله غوریانی آمده بودند و پس از آن نیروهای دولتی آنان را بازداشت کرده‌اند و از طبقه پایین به طبقه‌های بالایی بردند و از آنان به‌عنوان سیر انسانی استفاده کرده‌اند: «ما داخل سالن برای پدرمیانی آمده بودیم و نیروهای دولتی سه راکت به سالن زدند و پس از آن ما را لت‌وکوب کردند و از ما به‌عنوان سیر انسانی استفاده کردند.» او تأکید دارد که باید رویداد حمله نیروهای دولتی به شهرک جبرئیل به‌گونه‌ی همه‌جانبه رسیدگی شود. اما پولیس هرات، ادعای استفاده از غیرنظامیان به‌عنوان سیر انسانی برای بازداشت حبیب‌الله غوریانی را رد می‌کند.

عبدالاحد ولی‌زاده، سخن‌گوی پولیس هرات به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که به هیچ عنوان در عملیات بازداشت آقای غوریانی از غیرنظامیان به‌عنوان سیر انسانی استفاده نشده است: «همیشه مخالفان، جنایت‌کاران و کسانی که محل امنیت‌اند، مردم را سیر قرار می‌دهند و با استفاده از خانه‌های مردم و اماکن دست به جرم و جنایت می‌زنند.»

همچنین برخی از زخمیان مدعی‌اند که با هزینه شخصی‌شان خودشان را درمان کرده‌اند. سید امین، یکی از زخمیان رویداد ۱۲ حوت، او در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که در نتیجه‌ی شلیک نیروهای دولتی، یک انگشت‌اش قطع شده است.

او تنها نان‌آور خانواده شش‌نفری‌اش است و از هنگامی که زخمی شده است، بی‌کار شده و تا چند روز آینده نیز قادر به پیدا کردن کار نیست. او از نیروهای دولتی انتقاد می‌کند

دوئل غوریانی و حکومت؛

پهلوهای پنهان از یک لشکرکشی سنگین



غوریانی: جرم من هويت من است
حکومت مدعی است که حبیب‌الله غوریانی به جرایم زیادی از جمله قاچاق مواد مخدر، داشتن افراد غیرمسئول نظامی و قتل متهم است. به همین دلیل نیروهای امنیتی برای دست‌گیری او اقدام کرده‌اند. اما حبیب‌الله غوریانی در واکنش به متهم شدن به دست‌داشتن در قاچاق مواد مخدر و اخذ می‌گوید که تمام این موارد ساختگی است و اگر حکومت ثابت کند که وی در پرونده‌های جرمی دست دارد، خودش را به قانون تسلیم می‌دهد.

آقای غوریانی ضرب‌الاجل یک‌هفته‌ای برای سید عبدالوحید قتالی، والی هرات مشخص می‌کند، تا از مردم شهرک جبرئیل بابت عملیات نظامی، معذرت‌خواهی کند و در غیر آن صورت هشدار می‌دهد که دست به راهپیمایی گسترده در حد ۱۰۰ هزار تن می‌زند.

او همچنین می‌گوید که علیه والی در دادگاه جهانی «لاسه» بابت شلیک بر غیرنظامیان شکایت خواهد کرد: «من اگر زندان شخصی دارم، چرا وقتی عملیات راه‌اندازی کردند، موقعیت زندان را مشخص نکرده‌اند و زندان شخصی پیدا نکردند. تنها گناه من هويت من است.»

حبیب‌الله غوریانی مدعی است که والی هرات به درخواست‌اش مبنی بر گفت‌وگو در باغ آزادی - مقر بودوباش والی - اعتنایی نکرده و همچنان بر تداوم عملیات برای دست‌گیری وی پافشاری داشته است: «من با والی هرات تلفنی صحبت کردم و گفتم که عملیات را متوقف کن که مردم غیرنظامی کشته و زخمی شده‌اند. موثرهای خود را روان کن من به باغ آزادی می‌آیم. قول کرد و قسم خورد، ولی گفتار یک چیز و رفتار چیز دیگر بود.»

والی: قهرمان‌سازی کاذب فایده ندارد
روز سه‌شنبه، ۱۹ حوت شماری از منتقدان قومی شهرک جبرئیل در دیدار با سید عبدالوحید قتالی، والی هرات در مورد چگونگی عملیات نیروهای دولتی صحبت کرده‌اند.

در اعلامیه‌ی دفتر والی هرات آمده است که این افراد عملیات اخیر نیروهای امنیتی را در جبرئیل نکوهش کرده‌اند و از نیروهای امنیتی خواسته‌اند که عملیات در مناطق مسکونی را با تدابیر ویژه راه‌اندازی کنند، تا از ایجاد رعب و وحشت جلوگیری شود. در این اعلامیه آمده است: «والی هرات نیز مراتب تأثر و تأسف خود از وارد شدن تلفات و خساره‌های به غیرنظامیان را ابراز داشت و بر رسیدگی به خواسته‌های متضررین تأکید نمود.»

مالکان خانه‌های مسکونی که در نتیجه‌ی درگیری میان نیروهای دولتی و افراد حبیب‌الله غوریانی، خساره دیده‌اند، از حکومت می‌خواهند که برای آنان غرامت بپردازد تا دوباره خانه‌های‌شان را ترمیم کنند. گروهی از ساکنان جبرئیل برای بررسی میزان خساره مالی درگیری روز چهارشنبه هفته گذشته موظف شده‌اند تا میزان خساره مالی را مشخص کنند.

همچنین هیأتی از سوی اداره محلی هرات برای بررسی میزان خساره ساکنان شهرک جبرئیل توظیف شده است.

سید عبدالوحید قتالی، والی هرات روز چهارشنبه ۲۰ حوت بار دیگر حبیب‌الله غوریانی را مجرم و دزد توصیف کرده است: «شخصی به‌نام غوریانی را من نمی‌شناختم، یک مجرم، دزد است که تحت تعقیب قرار دارد و باید دستگیر شود و نباید از یک مجرم پشتیبانی شود و قهرمان‌سازی کاذب فایده ندارد.»

والی هرات مدعی است که پس از درگیری گسترده حبیب‌الله غوریانی با نیروهای دولتی، وی اعلام کرده است که به حکومت تسلیم می‌شود: «وقتی که می‌گفت جنگ توقف بدهید، لحظه‌ای بود که آن زمان مردم ما را به خاک و خون کشانده بود. تمام گلوله‌های او به سینه مردم خورده بود.»

خداداد ۳۰ سال سن دارد و یکی از افراد فقیر در منطقه‌ی جبرئیل هرات است. او به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که باردار شدن همسرش خوشحالی مضاعف در خانه‌اش ایجاد کرده بود، اما دیری نگذشت که این خوشحالی جایش را به غم داد: «شب جنگ بود و تانک و رینجر به جبرئیل آمده بود. از بس سروصدا زیاد بود، همسرم ترسید و شفاخانه بردیم و گفتند که جنین سقط شده.»

او می‌گوید خانواده‌اش هرگز آن شب هراسناک را نمی‌تواند فراموش کند: «همسرم شب‌ها گریه می‌کند و در داغ از دست‌دادن نوزادش است. من از حکومت می‌پرسم که آیا نیاز بود که این قدر ترس و وحشت در جبرئیل ایجاد کنند.»

«قوه قهریه نامناسب استفاده شده است»

مسئولان در کمیسیون حقوق بشر کشور از عملکرد نیروهای پولیس در رویداد جبرئیل شهر هرات انتقاد می‌کند.

ذبیح‌الله فرهنگ، رییس نشرات این کمیسیون در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که شکایت از نقض حقوق بشر در این رویداد وجود دارد؛ چرا که افرادی کشته و زخمی شده‌اند و همچنین آسیب‌های روحی-روانی بر مردم وارد شده است: «عملکرد پولیس در شهرک جبرئیل موجب نگرانی جدی ما است و شکایت‌های بسیار جدی در این مورد وجود دارد.»

او تأکید دارد که باید در مورد حمله شهرک جبرئیل هرات تحقیق همه‌جانبه صورت بگیرد و به آسیب‌دیدگان جبران خساره پرداخت شود و همچنین حکومت باید در جریان عملیات‌ها حفظ جان و مال افراد غیرنظامی را تضمین کند. کمیسیون حقوق بشر می‌گوید که شکایت‌های بسیار جدی در مورد رویداد جبرئیل وجود دارد و باید در این مورد تحقیق صورت بگیرد.

این کمیسیون از نهادهای امنیتی می‌خواهد که برخوردشان را با متهمان و مظنونان را براساس قوانین عمومی و حقوق بشری منظم کنند.

ذبیح‌الله فرهنگ، رییس نشرات این کمیسیون در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که شکایت از نقض حقوق بشر در این رویداد وجود دارد؛ چرا که افرادی کشته و زخمی شده‌اند و همچنین آسیب‌های روحی-روانی بر مردم وارد شده است: «عملکرد پولیس در شهرک جبرئیل موجب نگرانی جدی ما است و شکایت‌های بسیار جدی در این مورد وجود دارد.»

ترسیده بودند و گریه و جیغ می‌زدند. کودکان من افسردگی پیدا کرده‌اند و اشتها ندارند و همیشه در فکر هستند.»

سید عبدالوحید قتالی، والی هرات می‌گوید که کشته‌شدگان افراد حبیب‌الله غوریانی بوده‌اند. پولیس هرات نیز این ادعا را نمی‌پذیرد. عبدالاحد ولی‌زاده، سخن‌گوی پولیس هرات می‌گوید که در جریان عملیات بازداشت حبیب‌الله غوریانی، بالای پولیس شلیک شده است: «می‌خواستند که پولیس را از بین ببرند و حتا مردم بی‌دفاع را به رگبار بستند. مطابق به قانون پولیس اجراء کرده و در آن عملیات دو نفر از بین رفتند.»

افزایش آمار قربانیان

محمدریف شیری، سخن‌گوی صحت عامه هرات به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که در جریان درگیری شهرک جبرئیل، ۴۱ تن به‌شمول پنج نیروی امنیتی زخمی شده‌اند. او می‌افزاید که در میان زخمیان، یک زن و سه کودک نیز شامل هستند و همچنین دو تن از افراد وابسته به حبیب‌الله غوریانی نیز کشته شده‌اند.

اما حبیب‌الله غوریانی در صحبت با روزنامه اطلاعات روز ادعا می‌کند که در نتیجه‌ی شلیک نیروهای دولتی بالای غیرنظامیان، ۹۴ تن زخمی و شش تن کشته شده‌اند. در اطلاعیه‌ای که به‌مناسبت فاتحه کشته‌شدگان این رویداد به نشر رسیده نیز شماری قربانیان این رویداد شش نفر هستند. به‌نظر می‌رسد دست‌کم دو تن از این قربانیان کودکانی هستند که هنگام درگیری مادران‌شان سقط جنین کرده‌اند.

«سه سال انتظار برای هیج»

همسر خداداد پس از گذشت سه سال از عروسی‌شان باردار می‌شود، اما در روز درگیری از ترس و وحشت زیاد، سقط جنین می‌کند.

که نباید برای بازداشت یک فرد، ده‌ها تانک و رینجر را به شهرک جبرئیل می‌آورند: «خساره زیاد ما مردم ملکی دیدیم و نباید حکومت عملیات این چنینی شروع می‌کرد و به هر حال ما غیرنظامیان شهید و زخمی دادیم.»

اسدالله، یکی از زخمیان دیگر رویداد شهرک جبرئیل است. او می‌گوید، حوالی ساعت ۴:۳۰ هنگام رفتن از محل کار به خانه، مرمی به پایش اصابت کرده است. بستگان اسدالله به روزنامه اطلاعات روز می‌گویند که در حدود ۳۰ هزار افغانی برای درمانش هزینه کرده‌اند، در شرایطی که وضعیت اقتصادی‌شان بد است.

اسدالله که پس از چهار روز از شفاخانه مرخص شده، به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که شلیک مرمی به پایش، سخت‌ترین درد در زندگی‌اش بوده و حالا وضعیت‌اش قناعت‌بخش است.

تیرباران پس از دست‌گیری

در بخشی از دروازه‌های خانه و اتاق‌های طاهره مرادی شلیک مرمی دیده می‌شود. طاهره مرادی، صحنه‌های وحشتناکی از درگیری نیروهای دولتی و افراد آقای غوریانی روایت می‌کند که نیروهای دولتی علی‌جعفری و حسین‌علی زمانی، دو تن از محافظان غوریانی را تیرباران کرده است: «ساعت ۱۰:۳۰ شب نیروهای دولتی به خانه ما ریختند و به دروازه شلیک کردند و به‌زور وارد خانه ما شدند و رفتند یک نفر را به سرش شلیک کردند و یک نفر دیگر فکر می‌کنم که اول با خشت به سرش زدند و بعدا روی بدنش شلیک کرده‌اند.»

طاهره مرادی می‌گوید که پس از شلیک در خانه‌اش از سوی نیروهای دولتی، چهار فرزندش در شوک به‌سر می‌برند و آنان طی یک هفته می‌شود که شب‌ها در خانه‌شان نیستند؛ چرا که وضعیت روحی فرزندانش مناسب نیست: «آن شب خیلی بچه‌ها



صدها تن از باشندگان شهرک جبرئیل هرات در مراسم فاتحه‌خوانی کشته‌شدگان ۱۲ حوت شرکت کرده‌اند.

■ علی امیری

در سال‌های اخیر اقلیت قومی هزاره در پاکستان که عمدتاً در ایالت بلوچستان ساکن‌اند، پیوسته مورد حملات تروریستی گروه‌های افراطی قرار داشته‌اند. آخرین مورد از این دست حملات، قتل ۱۱ نفر کارگر هزاره در معدن زغال در منطقه مج بولان بود که در تاریخ ۱۴ ماه جدی سال ۱۳۹۹ اتفاق افتاد و بیش از یک هفته دولت پاکستان را درگیر کرد و در نهایت با درخواست صدراعظم عمران خان از خانواده‌ی قربانیان برای دفن اجساد کشتگان و سفر او به شهر کویت، موضوع خاتمه یافت.

بی‌تردید حملات علیه هزاره‌ها، ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی بسیار پیچیده‌ای دارد و بایستی آن را در جای خود و در پیوند با گسترش تروریسم و افراطی‌شدن روزافزون گروه‌های قومی و مذهبی در منطقه و به‌خصوص پاکستان، بر پایه‌ی اسناد و شواهد کافی و در مجال مناسب بررسی کرد. اما کشتار هزاره‌ها کم‌وبیش با مسائل هویتی و فرهنگی نیز پیوند دارد. هزاره‌ها یکی از گروه‌های قومی در ساختار اجتماعی و سیاسی پاکستان معاصر است که به‌رغم زمینه‌ی نسبی سیاسی و حقوقی جهت مشارکت در ساختار نظام سیاسی فدرال پاکستان، به لحاظ هویتی و فرهنگی دچار ابهام و سردرگمی بسیار اند. این پریشانی و ابهام و سردرگمی فرهنگی، مشارکت سیاسی آنان را نیز تحت تأثیر منفی قرار داده است. عصر ما، عصر جدال هویت‌هاست و قهراً مسائل هویتی پیچیدگی‌های بسیار یافته است. هویت‌سازی دل‌خواهانه به گروه‌هایی رقیب و دیوسازی و اهریمن‌انگاری آنان نیز اکنون، چنان‌که همه می‌دانیم، سکه‌ی رایج است و هزاره‌ها نیز نمی‌توانند از این اهریمن‌انگاری گروه‌های خشونت‌گرا مستثنا باشند. بحث‌های هویتی یا بازتعریف هویت‌ها در جغرافیای سیاسی و فرهنگی و جو مشحون از زورگویی و خشونت، شاید کمی به کاهش خشونت نکند، اما برای درک صورت مسأله و شناخت بهتر از وضعیت کنونی هزاره‌ها خالی از فایده نیست. آینده سیاسی و فرهنگی هزاره‌ها در پاکستان، به مقدار زیادی بسته به تعریفی است که آنان از هویت خود به‌عنوان یک واحد قومی با کرکتر و سرگذشت خاص دارند. هزاره‌ها اگر تقلیل‌گرا و دچار انجماد هویتی گردد، احتمال آن وجود دارد که دچار انزوا و سیاسی و فرهنگی بیشتر گردد و نقشی در آینده‌ی پاکستان نداشته باشند. هزاره‌ها اکنون در یک جدال فرهنگی، سیاسی و هویتی دچار هستند و آینده‌ی سیاسی‌شان به‌عنوان هزاره، به غلبه‌شان بر این چالش‌ها بسته است.

بدیهی است که در مجال کنونی نتوان به همه‌ی این پیچیدگی‌ها اشاره کرد. ولی این نکته نیز روشن است که گزارش هرچند اجمالی از وضع اکنون برای تدوین یک چشم‌انداز بلندمدت به نیت عبور از چالش‌ها و خشونت‌های موجود، در حد خود سودمند است. در این یادداشت وضعیت فرهنگی و سیاسی هزاره‌ها در پاکستان، رویکردها و راه‌حل‌های نخبگان سیاسی و فرهنگی و پاره‌ی ملاحظات و راه‌حل‌های موقت به اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیش از همه اما به اجمال اشاره‌ای می‌کنیم در باره‌ی شهر کویت، به‌عنوان بزرگ‌ترین شهر هزاره‌نشین خارج از افغانستان.

من همیشه جسته‌گریخته، از بزرگان خانواده، نام کسی را به‌عنوان «سید شالکودی» شنیده بودم ولی هرگز به ذهنم نمی‌رسید که شالکوت همان کویت کنونی باشد. خیلی بعد بود که من در کتاب سراج التواریخ ملافیض محمد کاتب هزاره خواندم که مأموران مرزی عبدالرحمان خان چندین هزاره نگوین بخت را که قصد رفتن به شالکوت (کویت) داشته‌اند، دستگیر و در قندهار زندانی می‌کنند و در زندان می‌مانند تا از دنیا می‌روند. نیز کاتب از «فرستادن دختران هزاره از راه فروش در شالکوت» توسط قاضی عبدالشکور خان، متصدی

قضای قندهار صحبت می‌کند. از این داستان و داستان‌های مشابه آن رفته‌رفته تصویر کویت که از عهد کودکی با برنامه رادیو‌هزارگی و کرکتر چمن لالی در ذهنم جاگرفته بود، برایم روشن و روشن‌تر می‌شد. به هرحال، حضور هزاره‌ها در شالکوت (کویت) را باید به‌عنوان بخشی از تاریخ حضور این مردم در شبه‌قاره‌ی هند در نظر آورد. حضور آنان در شبه‌قاره‌ی هند به دوره‌های قدیمی‌تر می‌رسد. در جلد چهارم تاریخ هند منتشره‌ی دانشگاه کمبریج آمده که در سال ۱۵۶۴ کارگران هزاره در ساخت پلی روی رودخانه‌ی گومتی مشارکت داشته‌اند و جالب این‌که این «کارگران هزاره» دارای «مهارت مهندسی بالا» توصیف شده است. اما از کل شبه‌قاره هند که درگذریم، حضور هزاره‌ها در کویت پرسابقه، ریشه‌دار و دارای مراحل و موج‌های متعدد و در عین حال پیچیده و مبهم است. در ۱۹۰۶ یک دسته‌ی نظامی پیشتاز هزاره در چارچوب ارتش دولت هند بریتانوی به‌نام «هزاره پانیر» تشکیل شد که اعضای آن را یکسره جوانان این قوم تشکیل می‌دادند. بعدها یک تن از اعضای همین دسته به‌نام جنرال محمدموسا خان به فرماندهی کل ارتش پاکستان رسید. محمد اوتادالعجم یک کارگزار فرهنگی دولت شاهنشاهی ایران در کتابی که به زبان انگلیسی در مورد هزاره‌ها در کویت نوشته (کتاب رساله‌ی دکترای او در دانشگاه کراچی است) معلومات بیشتر در مورد سابقه‌ی فرهنگی و تاریخی هزاره‌ها در این ایالت را، به نقل از سردار اسحاق خان برادر همین جنرال موسا خان، به دست داده است. مهاجرت گسترده‌ی هزاره‌ها به دهه‌ی پایانی قرن ۱۹ می‌رسد. به دنبال جنگ‌های معروف امیر عبدالرحمان خان بود که هزاره‌ها به‌عنوان مهاجر، آواره‌ی جنگی، اسیر، برده و فراری به گونه‌ی وسیع وارد قلمرو هند بریتانوی شدند. بخش‌های زیادی از این جمعیت نگوین بخت در قلمرو گسترده‌ی هند، در دامن شیرنگ زندگی گم و گور شدند، اما در کویت آنان با نام و هویت اصلی خود به بخشی از ساختار اجتماعی هند بریتانوی تبدیل شدند و نقش‌های سیاسی و اجتماعی بر عهده گرفتند. حضور پرسابقه‌ی هزاره‌ها در این شهر شاید به ساماندهی دوباره‌ی آن‌ها به‌عنوان یک واحد قومی و هویتی کمک کرده باشد.

هزاره‌ها، از همان بدو ورود دسته‌جمعی و گروهی در ایالت بلوچستان یک گروه قومی واجد هویت مشخص را تشکیل دادند. آنان زبان فارسی را به‌عنوان میراث مادری و مذهب تشیع را به‌عنوان آیین آبی‌شان حفظ کردند، اما هویت هزارگی‌شان با داغ و درد و خون و آوارگی درآمیخت و لذا به‌رغم این‌که در یک ساختار سیاسی و اجتماعی تازه قرار گرفت که از بسیاری جهات فرصت‌های مناسبی را فراروی‌شان می‌نهاد، همواره داغ ننگ شکست در جنگ بر پیشانی و ترومای آوارگی و از کف دادن سرزمین‌های حاصل‌خیز را در دل داشتند. به‌نظر نمی‌رسد که کابوس شکست و آوارگی دامن نسل چهارم هزاره‌های پاکستان را تا همین اکنون رها کرده باشد. آنان هنوز هم اسیر ضرب شصت دهشتناک امیر آهنین است و از فجایع و دردها فاصله نگرفته‌اند.

بی‌تردید هزاره در ساختن شهر کویت به‌خصوص بعد از زلزله‌ی ویرانگر سال ۱۹۳۵ سهم اساسی دارند و نخبگان سیاسی و فرهنگی هزاره مکرر در سهم این مردم در آبادی و بازسازی شهر تأکید کرده‌اند، اما موقعیت دموگرافیک هزاره‌ها در کل پیکره‌ی شهر چندان روشن نیست. از آنجا که اولین مؤسس امام بارگاه بزرگ (حسینیه کلان) کویت «انجمن اثناعشریه هزاره‌ی کویت» بوده است، آنچه که امروزه بخش‌های اصلی مرکز شهر را تشکیل می‌دهد، قهراً می‌بایستی جای بودوباش اصلی هزاره‌ها بوده باشند. اما به مرور زمان، محل باشش هزاره‌ها اکنون به حاشیه‌های شمالی، شمال‌شرقی، و شمال‌غربی شهر محدود شده است. این مناطق اکنون به دو بخش عمده و از هم جدا تقسیم می‌شود:

ناحیه مری‌آباد در شمال و شمال‌غرب و منطقه بروری در غرب شهر که به طرف جنوب امتداد یافته است. در این بخش دوم جمعیت بیشتری اسکان یافته و بخش کم‌تر در قسمت مری‌آباد قرار دارد. منطقه بروری شامل محلات چون علی‌آباد، علی‌تاون (شهرک علی) حسین‌آباد و محلات مشابه دیگر هستند. نواحی و محلات مشهور هزاره‌نشین برابر گزارش اوتادالعجم در سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳ از این قرار بوده اند: سیدآباد، نیچاری، حیدرآباد، مری‌آباد، حاجی‌آباد، مالی باغ، مک‌کوناگی رود، حسین‌آباد، شارع علمدار (علمدار رود)، تل‌گدام، نواب‌آباد، کویدآباد، ناصرآباد و چهاونی.

هزاره‌ها در طول تاریخ بلوچستان به اشکال مختلف و در موقعیت‌های مختلف در شهر کویت حضور داشته‌اند؛ از افسر ارشد در ارتش تا فرماندار ایالت، از نماینده‌ی پارلمان ایالتی تا حاکم نواحی و رییس پولیس، از تاجر بازاری تا پیمانکار ساختمانی، از فروشنده‌ی ملک و زمین تا سرمایه‌گذار بخش مسکن، از استاد دانشگاه تا روزنامه‌نگار. ولی هیچ‌یک از این نقش‌ها کرکتر اصلی حضور هزاره را در این شهر نمی‌سازد. کرکتر هزاره را در کویت «کارگر» و «قربانی» می‌سازد. هزاره با کار هستی خود را به اثبات می‌رساند و با قربانی‌شدن به این هستی پایان می‌دهد. حضور هزاره را هرگز نمی‌توان بدون کار در معدن زغال (کان کوبله) در ژرفای کوه‌های بلوچستان تصور کرد. کان کوبله در مخیله هزاره‌ها جایگاه تثبیت‌شده دارد. اینجا مدخل ورود هزاره به بلوچستان است. رنج و محنت خاموش هزاره‌ها در این چاه‌های ظلمت، فصلی از تاریخ نانوشته‌ی این مردم است. کم نیستند کارگران غریب هزاره که به امید لقمه نانی در کان کوبله، در مغاک تیره‌ی خاک گم و گور شدند و چشمان‌شان هرگز دیگر به فروغ فرخنده‌ی روز روشن نشدند. کم نیستند اشخاصی که به موقعیت‌های سیاسی و اقتصادی قابل توجه رسیدند و کار توأم با رنج و مشقت و خطر در معادن بوده است. سال‌های سال است که خاطرات، دلتنگی‌ها، قصه‌ها و ترانه‌های کارگر بی‌خانمان هزاره (جاره‌جان/مجرد/تکری) با سنگ زغال آمیخته شده در کوره‌ها، تندورها و بخاری‌ها دود شده به آسمان شهر پخش و محو می‌گردد. «جاره‌جان» یا «تکری» همان کارگر معدن زغال است که موضوع یکی از آهنگ‌های غم‌انگیز داوود سرخوش نیز قرار گرفته است: «کس ندارد خیر از عالم زار تکری». کارگر هزاره در بلوچستان «تکری» می‌شود، کرکتر جذاب و غم‌انگیز که جانش در ظلمت خاک گذاخته می‌شود و در نهایت نوعی حالت رواقی و بی‌اعتنایی

به دنیا پیدا می‌کند.

به موازات کارگر، «قربانی» نیز ویژگی خاص حضور هزاره‌ها در شهر است. تنها در چند سال اخیر است که کشتارهای هدفمند هزاره‌ها در کویته خبرساز شده است، اما هزاره‌ها همواره کرکتر یک قربانی را داشته و به اشکال مختلف قربانی شده‌اند. در بازار، در سفر، در مسیر راه قاچاق، در مسافرخانه‌های آلوده‌سرای نمک (یزدان خان رود کنونی در محله نیچاری که دیگر آن حالت سابق را ندارد) و حتا در خانه هزاره‌ها بیشتر قربانی هستند. در گورستان بروری چندین گور دسته‌جمعی هستند که تنها در یکی از آن‌ها ۹۰ نفر خفته‌اند. آخرین مورد از قربانیان هزاره ۱۱ کارگر معدن زغال است که در جدی سال ۱۳۹۹ پس از شکنجه به قتل رسیدند و اینک در گورستان بروری کنار هم در ژرفای خاک آرمیده‌اند؛ در «قبرستان هزاره» در ناحیه مری‌آباد، سنگ گور نیمه شکسته‌ای است که صاحب خود را این گونه معرفی می‌کند: «شاعر، ادیب و فلسفه لکچرار محمد عالم معروف به عالم مصباح سابقه سکرتر جنرال S. H. F. که به عمر ۳۰ سالگی دنیا را وداع گفت». عالم مصباح در یک جدال خانوادگی به دست برادرش در جوانی کشته شد که البته شکل دیگری از قربانی‌شدن هزاره و نشان‌دهنده‌ی ابعاد پیچیده و وسعت دامنه‌ی این قربانی‌شدن است. بر سنگ شکسته‌ی گور عالم مصباح این شعر از خودش نقش بسته است که هم‌زمان نشان نوستالژی خانه و آزادی، دو گذشته‌ی اصلی هزاره‌ها است: «آنجاست میهنم که در آغوش گرم آن/ خیلی کبوتران/ دور از فریب کینه‌ی صیاد کینه دل/ بی‌خوف و دلپره/ بی‌رنج و بی‌ملال/ پرواز می‌کنند...» در رسانه‌های جمعی نیز هزاره‌ها به‌صورت یک جامعه‌ی رنج‌دیده، آسیب‌رسیده و قربانی تصویر می‌شود. جدال‌های هویتی هم از هزاره‌ها قربانی می‌گیرد. وقتی که شوربختی اوج می‌گیرد، همه‌چیز به اسباب قربانی‌شدن تبدیل می‌شود از زبان بگیرید تا مذهب و قیافه و متأسفانه این یک حقیقت تلخ است که هزاره‌ها قربانی حضور و بودن‌شان است و به‌صورت پارادوکسیکال با این دو ویژگی به زندگی دوام می‌دهند: زندگی همچون کارگر و قربانی. به همین جهت از لحاظ ساختار دموگرافیک شهر، محلات حضور هزاره‌ها را می‌توان «زون کارگر و قربانی» لقب داد و هرگز نمی‌توان این محلات را زون فرهنگ، زون سیاست، زون اقتصاد و زون تفریح و ورزش که هر کدام با اشرافیت و اقتدار پیوند دارند، نام داد. منزوی‌بودن شدید مناطق و محلات هزاره‌نشین خود این حس را به آدمی القا می‌کند، همچنان‌که کان کوبله یادآور کرکتر کارگر محکوم به اعمال شاقه است. محلات هزاره‌نشین

کاملاً ایزوله‌شده است و در مدخل هر دو محل مری‌آباد و بروری ایست بازرسی وجود دارد و هربر ورود و خروج از آن با بازرسی انجام می‌شود. ایستگاه‌های بازرسی و تلاشی که در مدخل محلات هزاره‌نشین گذاشته شده‌اند، خود نشان حس ترحم، محافظت و قربانی‌بودن است، جایی برای قربانی گرفتن نیز است. مکرر آدم‌ها در این ایستگاه‌های بازرسی مورد آزار و مزاحمت قرار می‌گیرد و در مواردی آدم‌ها با واسطه و رشوت از این سو به آن سو می‌روند یا جنس و کالایی را از داخل شهر به درون محلات منتقل می‌کنند. هیچ‌چیز مانند این انزوای اجتماعی نشان‌دهنده‌ی حضور هزاره در شهر در مقام یک قربانی نیست.

به موازات تحولات دموگرافیک شهر و کوتاه‌شدن دست و پای هزاره‌ها از بخش مرکزی و بازار اصلی شهر کویت، تحولات سیاسی در شهر و عقاید و افکار سیاسی نیز، دست‌کم در میان هزاره‌ها دچار تحول و دگردیسی بسیار شده است. هزاره‌ها نخست به حکم استراتژی بقا و صیانت ذات بیشتر به کارهای تکنیکی و فنی روی آوردند. تشکیل دسته‌ی پیشاهنگ یا «هزاره پانیر» یک نمونه‌ی آن است. سیاست هم برای هزاره‌های نخستین، بخشی از تکنوکراسی بود. جنرال موسا خان هم بعد از فرماندهی ارتش فرماندار پاکستان غربی و بعد ایالت بلوچستان شد. اما طوفان ایدئولوژی‌هایی چپ و راست که از شرق و غرب می‌وزید، جامعه هزاره پاکستان را نیز تکان دادند. رد پای اندیشه‌ها و عقاید سیاسی گوناگون را می‌توان در میان هزاره‌ها مشاهده کرد. از کتاب «به‌سوی تمدن بزرگ» اثر محمدرضا شاه پهلوی، پادشاه سابق ایران، تا نوشته‌ها و خطابه‌های علی شریعتی، تا جزوات ایدئولوژیک مجاهدین خلق ایران و مجموعه آثار ماو و تا روایت‌های مختلف اسلامی، رنگ و نشان خود را در میان هزاره‌های این شهر بر جا نهاده‌اند و رد و نشانه‌های آن‌ها را در کنج و کنار معدود کتاب‌فروشی‌های قسمت‌های هزاره‌نشین می‌توان مشاهده کرد. احزابی که در دوران جهاد افغانستان داخل و چه در خارج، مانند «مجاهدین خلق افغانستان» که بعدها به «گروه مستضعفین افغانستان» مشهور شد و نیز «گروه توحیدی قیام مستضعفین افغانستان» و «سازمان رزمندگان مستضعفین» که اکنون همگی به فراموشی سپرده شده‌اند، از افکار علی شریعتی تغذیه می‌کردند. برخی از این گروه‌ها در پاکستان و در همین شهر کویت تشکیل شدند و این نشان تنوع عقاید سیاسی ولی نه‌چندان عمیق بلکه سطحی در این جامعه است.

واقع این است که تب و تاب سیاسی در میان هزاره‌های پاکستان با کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷

جدال هویت و سیاست (۱)

اشاره‌ای به وضع اکنون و آینده‌ی سیاسی و فرهنگی هزاره‌ها در پاکستان



کاملاً ایزوله‌شده است و در مدخل هر دو محل مری‌آباد و بروری ایست بازرسی وجود دارد و هربر ورود و خروج از آن با بازرسی انجام می‌شود. ایستگاه‌های بازرسی و تلاشی که در مدخل محلات هزاره‌نشین گذاشته شده‌اند، خود نشان حس ترحم، محافظت و قربانی‌بودن است، جایی برای قربانی گرفتن نیز است. مکرر آدم‌ها در این ایستگاه‌های بازرسی مورد آزار و مزاحمت قرار می‌گیرد و در مواردی آدم‌ها با واسطه و رشوت از این سو به آن سو می‌روند یا جنس و کالایی را از داخل شهر به درون محلات منتقل می‌کنند. هیچ‌چیز مانند این انزوای اجتماعی نشان‌دهنده‌ی حضور هزاره در شهر در مقام یک قربانی نیست.

گزارش



خانم سرو سا گفت که افغانستان نه تنها یک کشور کاملاً مردسالار که یک سرزمین پدرسالار است و تنها زن نیست که به لحاظ جنسیتی حق تصمیم‌گیری ندارد بلکه در خانواده‌ها اغلب حرف اول و آخر را پدران می‌زنند. او جامعه مردسالار افغانستان را یک نظام اجتماعی- خانوادگی و ایدئولوژیک دانست که با استفاده از همین روش در تمام مراسم، مناسک، ادبیات و همه چیز برای عادی‌سازی ستم بر زنان استفاده می‌کند.

خانم سرو سا گفت که افغانستان نه تنها یک کشور کاملاً مردسالار که یک سرزمین پدرسالار است و تنها زن نیست که به لحاظ جنسیتی حق تصمیم‌گیری ندارد بلکه در خانواده‌ها اغلب حرف اول و آخر را پدران می‌زنند. او جامعه مردسالار افغانستان را یک نظام اجتماعی- خانوادگی و ایدئولوژیک دانست که با استفاده از همین روش در تمام مراسم، مناسک، ادبیات و همه چیز برای عادی‌سازی ستم بر زنان استفاده می‌کند.

این استاد دانشگاه در خصوص ابتدایی‌ترین موردی که زنان افغانستان باید در تصمیم‌گیری نقش داشته باشند اما ندارند، به مراسم نکاح اشاره کرد و گفت مراسم نکاح برای ازدواج دو نفر که یک طرف آن یک زن است، رایج است اما حتا همین تصمیم پشت پرده و در غیاب زن صورت می‌گیرد: «در افغانستان هنوز معمول است که مردان خانواده و به‌ویژه پدران در مراسم نکاح حضور می‌یابند و به جای دخترشان تصمیم می‌گیرند که بله می‌گویند.»

همچنان خانم شرر با صحبت در مورد چالش‌های که زنان در قضایای عدلی و قضایی دارند، گفت که یکی از جدی‌ترین چالش‌های که در تمام سال‌های کارش با پوست و استخوان حس کرده، این است که زنان قربانی جنایاتی مضاعف می‌شوند، بدون این که کسی به دادشان برسد.

وی کمبود یا کلا نبود کارمند زن در نهادهای عدلی- قضایی به‌ویژه در سطح ولایات را از عواملی خواند که باعث می‌شود زنان قربانی نتوانند به عدالت دسترسی پیدا کنند. خانم شرر گفت وقتی جنایتی مانند تجاوز یا قتل ناموسی در حق یک زن صورت می‌گیرد، یک زن یا نمی‌تواند به کارمندان مرد شکایت کند و اگر شکایت کنند، نمی‌تواند مردان را متقاعد کند که قربانی جنایت/ خشونت شده است: «وقتی یک زن نباشد تا به جنایاتی که در حق یک زن صورت گرفته رسیدگی کند، زنان هرگز به عدالتی که حقشان است، نمی‌رسند.»

از نظر این دادستان عواملی دیگری نیز وجود داشته است که زنان نتوانند به عدالتی که حقشان است، برسند. وی به‌عنوان مثال به فرار مردانی که مرتکب جنایت می‌شوند و به مناطق تحت تسلط طالبان فرار می‌کنند، اشاره کرد و گفت وقتی که راه فرار برای عاملان جنایت باز باشد، جنایت بارها تکرار می‌شود بدون این که مرتکبین آن نگران مجازات باشند. پس از بررسی نگرانی‌ها و چالش‌ها وقتی سخن به سطح امیدواری‌ها نسبت به آینده و انگیزه زنان برای مبارزه می‌رسد، خانم سرو سا از اتحاد سخن می‌گوید. به باور وی هرچند که پدیده‌ی زشت انتحاری نگرانی بین مردم خلق کرده است که مانع تجمع برای اعتراض‌های مدنی شده، مردم را تکه تکه و جدا از هم کرده است و این فرصت برای گردهمایی‌ها را کم کرده است اما هنوز هم می‌شود با راه‌اندازی کارزارهای جمعی قدرت خود را نشان داد و این تنها امیدی است که زنان نمی‌توانند نادیده‌اش بگیرند.

همین‌طور خانم عبیده شرر کار زنان در ولسوالی‌های دور و نزدیک به کابل را امیدوار کننده می‌داند «این که زنان حاضر اند در ولایاتی مانند غزنی، خوست و میدان وردک برای ماموریت کاری اعزام شوند، نه تنها امیدوار کننده که جای بسا خوشی و مسرت است، چون بالاخره ثابت می‌کند که زنان هم قدرت و توانایی کار در شرایط دشوار را دارند.»

تداوم مبارزه:

صلح و برابری جنسیتی

فاطمه فرامرز

با توجه به شرایط حاکم، زنان افغانستان در ۲۰ سال گذشته با پذیرفتن دشواری‌های زیاد به دستاوردهایی رسیده‌اند که امروز با دوره‌ی حاکمیت رژیم طالبان دست‌کم تفاوت دارد. اما کشتار هدفمند زنان خبرنگار و اهل رسانه، کارمندان دستگاه عدلی- قضایی و فعالان حقوق بشر و جامعه مدنی در یک سال گذشته از یک سو و به حاشیه رانده شدن زنان در روند صلح از سوی دیگر، باعث ایجاد نگرانی‌ها در میان زنان شده است. سازمان حقوق بشر و دموکراسی افغانستان پنج‌شنبه هفته گذشته در برنامه‌ای به مناسبت ۸ مارچ میزبان نشست بود تا نگرانی‌ها، چالش‌ها و امیدواری‌های زنان را در آینده‌ی مه‌آلود کشور به بررسی بگیرد.

سرو سا رفیع‌زاده، دارنده‌ی دکترای ادبیات و استاد دانشگاه که در مورد دستاوردهای که ممکن هزینه‌ی روند صلح شود، صحبت می‌کرد، گفت که پس از یک دوره سیاه ده ساله- جنگ‌های داخلی و حاکمیت رژیم طالبان- باعث شد زنان از زندگی بسیار عقب بمانند. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر به افغانستان و شرایط خاصی و متفاوتی زنان توجه جامعه جهانی را جلب کرد. زنان خواسته یا ناخواسته به فضای عمومی جامعه فراخوانده شدند. بعد از آن تلاش‌ها باعث شد که زنان تا حدودی به جایگاهی که می‌خواستند رسیدند، اما او با یاد آوری از مکتوب ریاست معارف شهرکابل مبنی بر منع دختران بالای ۱۲ سال از خواندن سرود و ترانه گفت، هنوز هم روحیه مردسالاری بر جامعه و زنان حاکم است: «این احتمال هم وجود دارد که صدور همچو مکتوبی، حرکتی باشد امتحانی و در راستای بررسی حساسیت‌های جامعه. اگر ما سکوت اختیار کنیم، شاید موج‌های دنباله‌دار دیگر در راه باشد و بر این محدودیت‌های که از دانش‌آموزان دختر آغاز کرده‌اند، بیفزایند و وضع محدودیت‌ها را به عرصه‌های دیگر بکشانند. برای جلوگیری از وضع محدودیت‌ها بر زنان، نیاز است که نهادهای مدنی فعال حقوق بشر و مدافع حقوق زنان تلاش کنند تا جلوی این خود روی‌ها را بگیرند.»

از نظر این فعال حقوق زن نگرانی‌های بسیار وجود دارد و احتمالش هم زیاد است که برگشتن طالبان به قدرت، محدودیت‌های را برای زنان ایجاد کند.

هرچند از نظر او امروز با ۲۰ سال قبل بسیار تفاوت دارد، چون ۲۰ سال کار شده است و از دست‌رفتن دستاوردها کاملاً به جدیت زنان بستگی دارد: «من نظرم این است که زنان افغانستان امروز زنان ۲۰ سال قبل نیست. هرچند زنانی که به قدرت رسیده‌اند، یک اقلیت چند درصدی هم نیستند و زمانی که سخن از زنان افغانستان می‌شود، باید زنانی را نیز شامل شود که در دوردست‌ترین مناطق کشور حتا از اولیه‌ترین امکانات زندگی به شمول بهداشت و آموزش برخوردار نیستند و فکر می‌کنند شان انسانی شان فروتر از مردان است. اما با آن هم امروز کم و بیش آگاهی که بین زنان به‌وجود آمده است، به آنان این توانایی و قدرت را داده است که دست‌کم داعیه حقوق برابر با مردان را داشته باشند.»

در همین حال عبیده شرر، دادستان تعقیبی و رسیدگی به تخلفات اطفال که در نقاط مختلف کشور سفر و کار کرده است تا به قضایای جنایی/حقوقی که زنان و اطفال را متضرر می‌کند، رسیدگی کند، گفت که با وجود این که در ۲۰ سال گذشته تلاش‌های زیادی صورت گرفته است تا وضعیت زنان تغییر کند اما او هنگام کار در ولایات به مواردی برخورد کرده است که نگران است با برگشتن طالبان به قدرت، کشور دوباره به جایی برگردد که بیست سال قبل قرار داشت.

و حاضر و ناظر آمده و سوگند اصلی به نام ابوالفضل یاد شده است. در این سوگندنامه آمده است: «خدا و رسول و امام زمان را حاضر و ناظر دانسته د نام حضرت ابوالفضل العباس قسم موخورم که...» شخصیت علی نیز برای هزاره‌ها، همانگونه که نزد اغلب مسلمانان شبه‌قاره هند تحت تأثیر تصوف هندی، به‌عنوان نوعی ولی و دوست خدا و نمونه‌ی از عشق و پاکیزگی و بی‌اعتنایی به دنیا مطرح است، سیمای کم‌تر سیاسی دارد. در روزهایی که در کویته بودم جشن تولد علی به‌عنوان «میلاد ابوتراب» تجلیل شد و به‌رغم رویکردهای ایدئولوژیک اخیر که سعی دارد از علی به‌عنوان یک پدر ایده‌آل الگوسازی کند، علی برای هزاره‌ها قهرمان فداکار و صادق در دوستی خداوند است.

مراکز آموزشی مذهبی فعال است. علاوه بر دو مدرسه دینی یادشده واقع در راسته علمدار (علمدار رود) مدرسه دیگری به‌نام امام علی در منطقه بروری به همت شیخ ابراهیم رحمانی ایجاد شده است که همگی سرگرم آموزش علوم دینی در سطح ابتدایی و متوسط هستند. آموزش دینی در بخش بانوان و خانم‌ها نیز نسبتاً فعال است. اما آموزش دینی در کویته در کل پیوند عمیق با اجرای مناسک مذهبی، وعظ و خطابه، نوحه‌خوانی و روضه‌خوانی دارد و وقتی که پای قرائت‌های جدی‌تر از دین یا مذهب در میان است، تشیع کویته ذیلی از تشیع نجف یا قم خواهد بود. کویته، مانند تشیع کابل، نتوانسته است که روایت خاص خود را از اسلام یا تشیع به دست دهد. روحانیون هزاره، تحت تأثیر سیاسی‌شدن روزافزون مذهب، علاقه‌ی وافری به پیوند با جهان وطنی شیعی دارند و کمتر توانسته‌اند که یک روایت بومی از تشیع با رنگ و نشان هزارگی به‌دست دهند. از لحاظ اجتماعی و سیاسی تشیع عرب، تشیع ایرانی و تشیع هندی تفاوت‌های معنادار فرهنگی و سیاسی با هم دارند. هزاره‌ها هم به‌لحاظ مذهبی کرکتر خاص خود را دارند ولی پاره‌ی روحانیون هزاره تلاش دارند که آنان را در ضمن کلان‌روایت شیعی ادغام کنند. درحالی‌که تشیع نجف فرهنگی و تشیع قم سیاسی است، کویته همانند سایر مناطق اقماری، از لحاظ مذهبی در کشاکش فرهنگ و سیاست دچار نوعی سردرگمی است. ساختار سنتی مذهب در میان هزاره‌ها برهم خورده و جدال‌های کم‌وبیش سطحی در مورد ساخت بخشیدن مجدد به مذهب و تعریف جایگاه آن در ساختار سیاسی و اجتماعی جسته جسته خود را نشان می‌دهد و در آینده در این بخش مشکلات بیشتری بروز خواهد کرد.

قشر مذهبی، مدرسان مدارس دینی، امامان جمعه، مدیران و متولیان امام‌بارگاه‌ها به دنبال ایدئولوژیک شدن افراطی دین اکنون خود را در ذیل مفهوم عام تشیع تعریف می‌کنند. حزب وحدت المسلمین یک جریان اسلام‌گرای شیعی پاکستانی است که در انتخابات پارلمانی دو سال قبل شرکت کردند. روحانیون هزاره در کویته بیشتر در ذیل این جریان و برای کامیابی آن فعالیت می‌کردند. این تنها نوعی وفاداری به جهان‌وطنی دینی نیست، بلکه نشان‌دهنده‌ی نوعی تضاد دیانت و قومیت در میان هزاره‌های پاکستان است و بدیهی است که برای جامعه‌ای که مذهب همواره بخشی از هویت آنان بوده و اکنون این بخش با بخش دیگر این هویت، یعنی قومیت ایشان درگیر شده است، جدال کنونی به هیچ وجه نمی‌تواند چالش اندکی باشد؛ و این تنها بخشی از چالش فرهنگی و سیاسی است که هزاره‌ها اکنون با آن دست به گریبان است و اگر نخبگان فرهنگی و سیاسی این مردم نتوانند با این چالش‌ها به درستی مقابله کنند و بر آن فایق شوند، خطر تشیت و تفرقه و در نهایت محو و ادغام آنان احتمال چندان دور از وقوع نیست. به‌نظر نمی‌رسد که نخبگان فرهنگی هزاره ظرفیت و خونسردی کافی برای یک بحث حرفه‌ای پیرامون آیین تشیع و نقش آن در ساختار اجتماعی مردم‌شان را داشته باشند.

ادامه دارد...

بالا گرفت. به تبع این رویداد و تحولات بعد از آن بود که هزاره‌های پاکستان نیز شدیداً درگیر سیاست شدند. قبلاً هزاره‌ها در ایالت بلوچستان نهادهای مانند «انجمن اثناعشریه هزاره کویته»، «تاج کلب»، «انجمن فلاح و بهبودی» و امثال آن‌ها را داشتند، اما نهاد مشهورتر آن‌ها «تنظیم نسل نو هزاره مغل» بود که در سال ۱۹۷۱ تشکیل شد. انجمن اثناعشریه هزاره یک نهاد دینی بود که هدف آن سامان‌دهی امور مذهبی مردم بود و، چنانکه تذکر رفت، حسینیه مرکزی (امام بارگاه کلان) شهر را تأسیس کرد، تاج کلب یک تیم ورزشی بود و انجمن فلاح به کارهای خیریه و تعلیم و تربیه توجه داشتند. اما تنظیم نسل نو جریان سیاسی و فرهنگی و ناسیونالیستی بود و این نشان می‌دهد که علاقه به سیاست به تدریج در میان ایشان پدیدار شد. از درون تنظیم جریان‌های چون H.S.F (اتحادیه محصلین هزاره) و کمی بعدتر (H. D. P حزب دموکراتیک هزاره) و تشکل‌های خرد و ریز دیگر سر بر کردند. اتحادیه محصلین بیشتر جریان چپی بود و از انقلاب ثور حمایت می‌کرد و نشریه آن به‌نام «طلوع فکر» که به دو زبان اردو و فارسی نشرات می‌کرد، و من برخی شماره‌های آن را در کویته دیدم، گرایش آشکارا سوسیالیستی داشت. «اتحادیه محصلین هزاره» جدی‌ترین و جوان‌ترین جریان چپ هزارگی در این شهر است که برای فهم و تغییر جهان‌شان تلاش می‌کرده است. نوشته‌های‌شان نیز نسبتاً جدی و عمیق است و ضمن تعلق خاطرشان به فرهنگ و مردم هزاره، حکایت از وسعت ذهن و فراخی چشم‌انداز ایشان دارد. حزب دموکراتیک هزاره خود را نماینده‌ی طبقه متوسط هزاره می‌داند و تا حدی در این ادعا صادق هستند، اما از آنجا که طبقه متوسط هزاره تا کنون به خوبی تثبیت نشده و از سوی دیگر نسبت این حزب با فرهنگ، زبان و مذهب نیز به درستی تعریف نشده است، حزب متزلزل و آسیب‌پذیر به‌نظر می‌آید. شکی وجود ندارد که هزاره‌ها به یک حزب سیاسی حرفه‌ای، سکولار و مبتنی بر منافع طبقه‌ی متوسط نیاز دارد، اما این حزب نخست باید نسبت خود را با عناصر عمده‌ی فرهنگ جامعه مانند زبان، مذهب و روابط اجتماعی و سیاسی به‌درستی و به گونه‌ی واقع‌بینانه تعریف کند. این حزب از ادبیات مناسپی در برابر جناح مذهبی برخوردار نیستند و با توجه به رادیکالیزه‌شدن روزافزون جامعه از لحاظ مذهبی و دینی، در صورتی که نتواند زبان مناسب سخن‌گفتن با اقشار مذهبی را پیدا کند، چالش‌ها و دشواری‌های بسیاری پیش روی آن خواهد بود.

به‌طور کلی اما، جامعه هزاره کویته، جامعه‌ی مذهبی است. شهر پر از است از مسجد و امام بارگاه (حسینیه، تکیه‌خانه). اما اسلام شیعی در جامعه هزاره کویته، در سطح تجلیات اجتماعی، از دیرباز کاملاً رنگ قومی داشته است. در این جامعه باورهای شیعی با عواطف قومی یگانه شده است. تشیع هزارگی در این شهر به‌ویژه با کرکتر عباس مشخص می‌شود. درست است که آیین‌ها و مناسک شیعی در این جامعه دارای ریشه‌های عمیق هستند و مردم هزاره با شخصیت‌های شیعی پیوند عاطفی بسیار ژرف دارند؛ درست است که عاشورا و کربلا نیز، مانند همه‌ی شیعیان جهان، بخش جدایی‌ناپذیری از هویت ایشان است؛ اما برای هزاره‌ها، به‌خصوص هزاره‌های پاکستان، در میان فیگورهای معنوی شیعی ابوالفضل العباس یک شخصیت مرکزی است. اصلی‌ترین خیابان هزاره‌ها در محله نیچاری کویته به‌نام این شخص است: علمدار رود. اغلب مراکز سیاسی و فرهنگی و دینی هزاره مانند دفتر تنظیم نسل نو هزاره، مسجد نیچاری، مدرسه علوم دینی معروف به جامعه امامیه، مدرسه جعفریه، مسجد قنداری‌ها (شیعیان قندهار) و مکاتب و مدارس و مراکز آموزشی بسیار دیگر در این خیابان واقع‌اند. ابوالفضل برای هزاره‌ها نوعی قهرمان ملی و سمبلی از شجاعت و دلیری و وفا و جوان‌مردی است. در سوگندنامه‌ی مجلس بزرگان قومی هزاره که در ۱۹۶۴ نوشته شده، خدا و رسول و امام زمان تنها به‌عنوان شاهد

کاخ سفید:

گفت‌وگوها با ایران به طور غیرمستقیم برقرار است



از زمان خروج ما سه سال گذشته و در این مدت اتفاقات متعددی روی داده، از جمله ایران، متأسفانه، از تعهدات خود بسیار فاصله گرفته... با این حال، ما آماده‌ایم و دیدید که به محض دعوت شرکای اروپایی‌مان برای جلسه مشترک با ایران، گفتیم موافقیم اما این ایران بود که گفت نه. بنابراین، توپ در زمین ایران است که بگوید چه می‌خواهد بکند.» آقای بایدن ماه پیش اعلام کرد که دولتش حاضر است با ایران و سایر طرف‌های برجام برای احیای آن وارد گفت‌وگو شود اما ایران این پیشنهاد را رد کرده است و می‌گوید آمریکا ابتدا باید تحریم‌ها را لغو کند تا این کشور حاضر به از سرگیری تعهداتش در برجام باشد. آمریکا در مقابل می‌گوید ایران ابتدا باید به طور کامل برجام را اجرا کند.

«برای شروع مذاکره با ایران مشوقی ارائه نمی‌کنیم» در خبری دیگر در روز گذشته، پنجشنبه ۲۱ حوت، آمریکا گفت که برای قانع کردن ایران به گفت‌وگو درباره احیای برجام مشوقی ارائه نخواهد کرد. ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت: «ما هیچ مشوق یا حرکت یکجانبه‌ای برای آوردن ایران به میز مذاکره ارائه نخواهیم کرد. اگر برداشت ایرانی‌ها این است که در غیاب هرگونه تلاشی از سوی آنها برای از سرگیری پایبندی کامل به برجام، ما چنین کاری خواهیم کرد دچار سوءبرداشت هستند.»

در جریان جلسه کمیته روابط خارجی با آنتونی بلینکن، از وزیرخارجه کشورش پرسید: «مگر ما (آمریکا) اول از این توافق (برجام) خارج نشده‌ایم، چرا نباید ما اول به آن بازگردیم... و چه طور می‌شود از ایران انتظار داشت که قبل از بازگشت ما به این توافق، مفاد آن را رعایت کند؟» آقای بلینکن در پاسخ به این نماینده کنگره گفت: «اول این که ما بارها گفته‌ایم که مشتاق دیپلماسی در این زمینه هستیم و همان طور که پرزیدنت بایدن گفته اگر آنها بازگردند ما هم باز می‌گردیم... اما بازگشت ما (به برجام) مانند فشار دادن یک دکمه نیست و فرآیند آسانی نیست.»

سوی نمایندگان کنگره این کشور تحت فشار قرار گرفته که درباره عملکرد واشنگتن برای حل مساله هسته‌ای ایران توضیح دهد.

جو بایدن، رئیس جمهوری جدید آمریکا، با وعده بازگرداندن کشورش به توافقی هسته‌ای میان قدرت‌های جهانی و ایران (موسوم به برجام) در انتخابات سال گذشته شرکت کرد اما از زمان ورود به کاخ سفید، عملی کردن این شعار را مشروط به بازگشت کامل ایران به تعهدات برجامی خود کرده است.

ایلهان عمر، عضو مجلس نمایندگان آمریکا، روز گذشته

اطلاعات روز: جیک سالیوان، مشاور عالی امنیت ملی کاخ سفید، می‌گوید اگر چه مذاکرات مستقیمی میان ایران و آمریکا در زمینه برجام صورت نگرفته اما آمریکا به طور غیرمستقیم و از طریق شرکای اروپایی خود و دیگر کانال‌ها با ایران در تماس است.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، آقای سالیوان که روز جمعه، ۱۲ مارس - ۲۲ حوت، در کنفرانسی خبری به رسانه‌ها پاسخ می‌داد تصریح کرد که کاخ سفید از طریق این گفت‌وگوهای غیرمستقیم «موضع خود را برای ایران تبیین کرده و منتظر آن است که ببیند تهران چه خواهد کرد.» مشاور امنیت ملی آمریکا همچنین به خبرنگاری که انتقاد مایک پومپئو، وزیرخارجه سابق را درباره «برخورد جو بایدن با ایران از موضع ضعف در عراق» طرح کرد پاسخ داد که «اگر به تعداد حملات نیروهای مورد حمایت ایران در عراق در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ نگاه کنید، آن وقت گمان می‌کنم آقای پومپئو در موقعیتی قرار نگیرد که اجازه اظهارنظر در این باره داشته باشد. ما در حال پیگیری اهداف خود هستیم و به دنبال حل مساله هسته‌ای ایران از طریق دیپلماسی هستیم.»

وزیرخارجه آمریکا: بازگشت به برجام به آسانی فشار دادن یک کلید نیست

در همین حال، آنتونی بلینکن، وزیرخارجه آمریکا هم از

کودتای میانمار؛

هشت نفر دیگر در اعتراضات خیابانی کشته شدند

محدودیت نامزدها برگزار شد و در سال بعد، یک دولت غیرنظامی به رهبری آنگ سان سوچی، رهبر حزب اتحاد برای دموکراسی، زمام امور را در دست گرفت.

در سال ۲۰۱۷، ارتش میانمار در واکنش به حمله گروهی از شبه نظامیان روهینگایی به پاسگاه‌های پلیس منطقه ای، به سرکوب شبه‌نظامیان مسلمان روهینگایی دست زد که نتیجه آن، فرار بیش از نیم میلیون مسلمان روهینگایی به بنگلادش بوده است.

سازمان ملل اقدامات ارتش میانمار در مورد مسلمانان را «نمونه کامل پاکسازی قومی» خوانده است.

گروه‌های حقوق بشر از جمله عفو بین‌الملل از دولت نظامی خواسته‌اند که از توسل به زور علیه معترضان خودداری کند.

میانمار در نمایه

میانمار، که با نام برمه هم شناخته می‌شود، استقلال خود از بریتانیا را در سال ۱۹۴۸ به دست آورد و بیشتر تاریخ بعد از استقلال را تحت حکومت نظامیان گذرانده است.

محدودیت‌های سیاسی از سال ۲۰۱۰ به بعد به تدریج کاهش یافت و در سال ۲۰۱۵ انتخابات آزاد و بدون

نفر سوم، زنی بود که در شهر ماندالی کشته شد. براساس گزارش‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، پلیس در این شهر به روی معترضانی که در تجمعی صلح آمیز شرکت کرده بودند، آتش گشود.

تصاویر شبکه‌های اجتماعی همچنین چندین نفر را نشان می‌دهد که در این راهپیمایی به شدت مجروح شده‌اند.

سازمان ملل اعلام کرده که تاکنون دولت نظامی حاکم در میانمار دست کم ۷۰ نفر را در جریان اعتراضات مخالفان کشته و هزاران نفر را هم بازداشت کرده است.

اطلاعات روز: در ادامه اعتراضات در میانمار، هشت تظاهر کننده توسط نیروهای امنیتی به ضرب گلوله کشته شدند.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، از زمان کودتای نظامیان در ماه گذشته میلادی و برکناری دولت آنگ سان سوچی، این کشور صحنه اعتراضات گسترده مخالفان بوده است.

دو نفر در جلوی ایستگاه پلیس در شهر یانگون کشته شدند. این دو به همراه شماری دیگر با تجمع در این محل خواستار آزادی معترضانی شده بودند که در چند روز گذشته بازداشت شده‌اند.

سفیر سوریه انتقال بشار اسد به مسکو برای درمان کرونا را تکذیب کرد

۳۰۰ نفر مبتلا به کرونا داشته که حدود ۱۱۰۰ تن آنها در گذشته‌اند.

سوریه در میان ده‌ها کشوری است که هنوز از واکسن کافی برای واکسیناسیون سراسری مردمش برخوردار نیست. وضعیت اقتصادی نابسامان ناشی از جنگ داخلی ده ساله دلیل عمده عدم سرعت در خریداری واکسن بوده است.

اسرائیل چند هفته پیش در جریان معامله‌ای برای آزاد کردن یک دختر شهروند خود که با تمایل خویش به سوریه رفته بود، غیر از آزاد کردن دو چوپان سوری زندانی در اسرائیل، یک میلیون دلار به روسیه برای خرید واکسن «اسپوتنیک وی» برای سوریه پرداخت کرد.

دولت اسرائیل تأیید کرد، واکسن‌هایی که در آن معامله از روسیه خرید، به سوریه ارسال شد.

رسانه‌های اسرائیل گفته‌اند ابتلای بشار اسد و همسرش به کرونا ممکن است نشان آن باشد که آن‌دو از واکسن‌هایی که سوریه در معامله یادشده با اسرائیل دریافت کرد، برای واکسینه کردن خود استفاده نکرده‌اند.

از آغاز همه‌گیری ویروس کرونا، شمار زیادی از رهبران کشورهای جهان، شامل آمریکا، بریتانیا و فرانسه، به این بیماری مبتلا شدند اما همه آنها بهبود یافته و به کار خود بازگشتند.

اما سرنوشت سوریه به دلیل وضعیت حساس حاکمیت، جنگی که هنوز در برخی از نقاط این کشور ادامه دارد و خصومت‌های دیرینه کشورهای منطقه، به بقای بشار اسد در قدرت بستگی زیادی دارد.

مدعی شده‌اند که بشار اسد در «ملاقات محرمانه» با سورنا ستاری، معاون علمی رئیس جمهوری ایران، به کرونا مبتلا شده است.

آقای ستاری روزهای یازدهم و دوازدهم حوت در سفر رسمی و آشکار به سوریه با شماری از مقامات دمشق دیدار کرد، اما هیچ یک از دو کشور، خبری درباره «دیدار» او با بشار اسد منتشر نکردند.

سورنا ستاری در روزهای پس از بازگشت به ایران ظاهراً نشانی از بیماری نداشته و روز شنبه، ۲۳ حوت، نیز در مراسم بهره‌برداری از دو ایستگاه جدید متروی تهران شرکت کرد.

سوریه مدعی است در یک سال اخیر حدود ۱۶ هزار و

اگر چنین درخواستی بشود، رئیس جمهور ولادیمیر پوتین به آن پاسخ مناسب و سریع خواهد داد.

روسیه یکی از نزدیک‌ترین کشورها به سوریه بوده که اتحاد راهبردی آنها در جنگ داخلی سوریه نیز تقویت شده است. بشار اسد، ۵۴ ساله، که خود پزشک متخصص چشم است، در روزهای پیش از ابتلا در برخی دیدارهای خارجی و داخلی و نیز در بازدیدهای متعدد از نظامیان و اماکن عمومی در دمشق و شهرهای دیگر دیده شده بود.

اسما اسد، بانوی اول ۴۵ ساله سوریه، بیماری‌های زمینه‌ای سخت دارد؛ او به دلیل سرطان پستان بارها بستری بوده و دوره‌های شیمی‌درمانی را سپری کرده است.

در همین حال برخی رسانه‌های عربی وابسته به عربستان

اطلاعات روز: در پی انتشار خبر ابتلای بشار اسد و همسرش به کرونا، سفیر سوریه در روسیه روز جمعه انتقال رئیس جمهوری کشورش به مسکو برای درمان بیماری را تکذیب کرد.

به گزارش خبرگزاری‌های روسیه، ریاض حداد، سفیر سوریه در مسکو، شامگاه جمعه، ۲۲ حوت، گفت اخبار انتقال بشار اسد به بیمارستانی در روسیه یا گزارش‌های دیگر در این زمینه «عاری از حقیقت است.»

به نقل از رادیو فردا، دفتر ریاست جمهوری سوریه روز ۱۸ حوت ابتلای بشار اسد و همسرش، اسما، به ویروس کرونا را تأیید کرده و نوشته بود که در این دو نشانه‌های «خفیف» و اولیه از ابتلا بروز کرده است.

در بیانیه رسمی دمشق آمده بود که آقای اسد و همسرش دو هفته در قرنطینه خواهند ماند ولی حال‌شان مساعد است و به کار عادی خود، از قرنطینه در اقامتگاه ریاست جمهوری، ادامه خواهند داد.

اما در روز جمعه برخی گزارش‌های خارجی حاکی از «انتقال» بشار اسد به مسکو، در پی «تشدید بیماری» او بود.

در پی افزایش این گزارش‌ها، سفیر سوریه در روسیه به خبرگزاری ریانووستی در مسکو گفت که رهبر کشورش در روسیه «حضور ندارد.»

پیش از آن، دمتری پسکوف، سخنگوی کرملین، گفته بود که او از این که سوریه به دلیل ابتلای بشار اسد به کرونا از مسکو درخواست کمک کرده باشد، «آگاهی ندارد.»

با این حال، آقای پسکوف افزوده بود، «اطمینان» داریم که



صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ایوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهریار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷

آدرس: کابل، کارته‌سه

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com



محمود فضل، مانثلی مترجم: جلیل پڑواک

عمر بن لادن، هزمندی که جهاد را ترک کرد (۲)

گفت‌وگو با نقاشی که فرزند بدنام‌ترین تروریست جهان است



عمر بن لادن سوار بر اسب (منبع: عکس، The Monthly)

طرحی را برای فرار با اسب همراه با برادرانش ریخت. اما هرچه زمان رفتن نزدیک‌تر می‌شد، پسران اسامه کم جرأت‌تر می‌شدند.

اسامه پسران خود را جمع کرد و در مورد لیستی از نام‌ها که روی دیوار مسجد قرار داشت به آن‌ها گفت. او به پسرانش گفت: «این لیست برای مردانی است که مسلمانان خوب هستند، مردانی که داوطلب می‌شوند بمب‌گذار انتحاری شوند.» عمر نام خود را به لیست اضافه نکرد.

اسامه کم‌کم از عمر فاصله گرفت. سرانجام به او گفتند که در قلب اسامه همان جایی را دارد که هر مرد و پسر مسلمان دیگری دارد، نه جای یک پسر را. او می‌گوید: «نفرت پدرم نسبت به دشمنانش، بیشتر از عشق او نسبت به پسرانش بود.»

اواخر سال ۱۹۹۹ عمر اجازه یافت تا با مادرش به سوریه سفر کند. در ۱۲ اکتبر سال ۲۰۰۰ القاعده به کشتی جنگی USS Cole در بندر عدن در یمن حمله کرد. هفده ملوان کشته و ۳۷ سرنشین دیگر زخمی شدند. عمر فکر کرد که این همان حمله‌ای بوده که عبدالهادی از آن هشدار داده بود.

چند روز بعد عمر پیامی دریافت کرد که از او می‌خواست بازگردد. او می‌گوید: «تصمیم گرفتم کاری را انجام دهم که گفته بودم هرگز انجامش نمی‌دهم: بازگشت به افغانستان.» در سال ۲۰۰۱ وقتی عمر وارد پایگاه پدرش در افغانستان شد، اسامه به پسرش بی‌علاقه به‌نظر می‌رسید.

عبدالهادی باز هم هشدار خود را تکرار کرد: حمله‌ای قریب‌الوقوع بود. عمر از افغانستان خارج شد، اما هرگز به او فرصت داده نشد که با پدرش صحبت کند.

صبح روز ۱۱ سپتامبر، عمر که اکنون به عربستان سعودی بازگشته بود، آتش‌سوزی در مرکز تجارت جهانی را از تلویزیون تماشا می‌کرد. لحظه‌ای نگذشت که هواپیمای دوم با ساختمان برخورد کرد.

عمر می‌گوید: «پس از شنیدن نوار صوتی که در آن پدرم مسئولیت حملات را به عهده می‌گیرد، با این واقعیت روبه‌رو شدم که او پشت این رویداد بوده است. من حالا مرد خودم بودم. باید با این واقعیت زندگی می‌کردم.»

پس از حملات یازده سپتامبر، اسامه بن لادن در پایگاهش در کوه تورا بورا پناه گرفت. عمر می‌گوید: «هرکسی که ما می‌شناختیم اکنون نیست. من بسیاری از دوستان خوبم را از دست دادم. سه برادر، خواهر و پدرم را از دست دادم...»

در ساحل نرماندی فرانسه، عمر عکسی از برادر بزرگ‌تر خود، سعد را نزد خود نگه داشته است. سعد، نزدیک‌ترین دوست عمر و به اوتیسم مبتلا بود. او با اشاره به عکس می‌گوید: «این در تورا بورا است.» در عکس سعد همانند اسامه با کلاه پکول و کت سبزرنگ آمریکایی‌اش درحالی که سمت نقطه‌ای دور خیره شده دیده می‌شود. دست چپش کلاشینکف است. عمر می‌گوید سعد را درست مثل پدرش «آمریکا کشت.»

در نقاشی دیگری مجموعه سفید گاو در امتداد منظره‌ای سوت و کور کشیده شده است. درختی بدون برگ از شکل افتاده خم شده است. منظره از پشت زین یک اسب به تصویر کشیده شده است. عمر اعتراف می‌کند که او آن مرد گاوچران نقاشی‌هایش نیست.

محمود فضل نویسنده و فیلم‌ساز افغان - استرالیایی است.

پایان

و آوردند، ملا عمر به سمت اسامه اشاره کرد و گفت روی زمین بنشینید. این توهین‌های فرهنگی وقتی ملا عمر حاضر نشد مستقیماً به زبان پشتو اسامه را مخاطب قرار دهد و ترجمه داد مترجمی پیام وی را به زبان عربی برای اسامه بازگو کند، ادامه یافت. رهبر طالبان به رهبر القاعده گفت که افغانستان را ترک کند. اسامه اعتراض کرد و گفت که اگر ملا عمر این درخواست را تحت فشار دولت‌های «کافر» از وی می‌کند، کاری خلاف اسلام را مرتکب می‌شود. عمر می‌گوید که ملا عمر به اسامه گفت که می‌تواند دو سال دیگر در افغانستان بماند. وقتی اسامه شام را ترتیب داد، ملا عمر از هم‌سفره‌شدن با وی خودداری کرد.

در ماه‌های بعدی عبدالهادی، یکی از نزدیک‌ترین مشاوران اسامه، به عمر درباره مأموریت جدید القاعده، مأموریتی بسیار کلان، هشدار داد. عبدالهادی هشدار داد که اگر عمر می‌خواهد زنده بماند، باید برود. عمر

پس از ورود برادران، عمر که می‌گوید «هرگز به خاطر ندارم پدرم را از سلاحش یک متر دور دیده باشم، حتی زمانی که با مادرم بود» کلاشینکف خودش را دریافت کرد. او را به اردوگاه‌های آموزشی القاعده بردند. جایی که «تازه‌سربازان مردان سرسخت و اکثراً جوان با ریش‌های بلند بودند.» او به یاد دارد که به خاطر سهم‌گیری در علاقه‌ی پدرش، هیجان‌زده بود. او می‌گوید: «لباس مخصوص اردوگاه وجود نداشت. بنابراین برخی از تازه‌سربازان مثل طالبان، برخی دیگر مثل پشتون‌ها و برخی دیگر مثل سربازان آمریکایی یا روسی لباس می‌پوشیدند.»



نیز کشته شده بودند. دقیقاً هشت سال از زمان ورود نیروهای آمریکایی به عربستان گذشته بود. عمر می‌گوید: «نفسم کنده شد. چهره‌ی پدرم را خواندم، در زندگی من هرگز او را چنان هیجان‌زده و خوشحال ندیده بودم.» روزی آن‌ها به ملاقات با رهبر اسرارآمیز طالبان، ملا عمر، دعوت شدند. عمر می‌گوید: «وقتی او املاً عمر از موتر پیاده شد، همه بلافاصله او را شناختند. از هاله‌ای قدرتش. برای اولین بار مردی قدبلندتر از پدرم را می‌دیدم.»

ملا عمر در جنگ یک چشم خود را از دست داده بود و جای خالی چشمش را همچون مدال افتخار با خود داشت. وقتی اسامه به سمتش نزدیک شد، رهبر طالبان با بی‌اعتنایی به امیر القاعده، سریع وارد ساختمان شد. داخل ساختمان ملا عمر خواست برای اسامه صندلی بیاورند. وقتی سربازان طالبان صندلی را که از روس‌ها بر جای مانده بود پیدا کرده

جانمایی پدر را نمی‌خواهد. او محبت پدرش را می‌خواست نه جنگش را. او می‌گوید: «حتا بعد از آن پدرم نتوانست این فکر را که من جایگزین مناسب او هستم، کنار بگذارد.» اسامه برای الهام‌بخشیدن به عمر، او را به خط مقدم جنگ داخلی افغانستان برد، جنگی که پس از خروج شوروی در گرفته بود. طالبان درگیر نبردی خونین با اتحاد شمال به رهبری احمدشاه مسعود، فرمانده اصلی مقاومت در برابر اشغال شوروی بودند. طولی نکشید که ابرهای خشونت عمر و پدرش را خسته کرد. عمر به یاد می‌آورد که چمباتمه زده بود و انتظار مرگ را می‌کشید: «موشک‌ها صغیرکشان از بیخ گوشم عبور می‌کرد. صورتم پر از گرد و خاک بود. زخم‌های عمیق برداشته بودم... واقعا فکر می‌کردم که آخرین نفس‌هایم را می‌کشم.» وقتی درگیری پایان یافت، سربازان طالبان و بن لادن پی بردند که زیر حمله اتحاد شمال نبودند بلکه آتش خودی بوده است.

عمر خیلی زود فهمید که حتی نمی‌تواند افراد مسعود را از جنگ‌جویان طالبان تشخیص دهد. او با مخابره‌اش و رفتن تا این که فرکانس افراد مسعود را یافت. عمر از آن‌ها پرسید: «چرا می‌خواهید ما را بکشید؟» سربازی از آن سو پاسخ داد: «من چیزی علیه شما ندارم. این جنگ بر سر قلمرو است. ما دستور داریم هرکسی را که در قلمرو مان ببینیم شلیک کنیم. تو روی قلمرو هستی و اگر فرصتت را بیابم مجبورم به تو شلیک کنم.» باری عمر درحال پهره‌داری در امتداد یک مسیر کوهستانی بود که زیر آتش یک تک‌تیرانداز قرار گرفت. گلوله‌ها از بیخ گوشش رد شد. اما او خشکش زده بود: «نمی‌توانستم تصمیم بگیرم که به کدام سمت بگریزم... به سروصدای جنگ عادت کرده بودم، اما به منظره جنگ هرگز. بر فراز آن کوه با خودم عهد کرد که بقیه عمرم را صرف مخالفت با خود همان مسأله‌ای کنم که برای پدرم خیلی عزیز بود.»

در آگست ۱۹۹۸ پایگاه القاعده در افغانستان از فرط برو بیای شبه‌نظامیان به کندوی زنبور عسل تبدیل شده بود. حملات تروریستی القاعده همزمان سفارت‌خانه‌های ایالات متحده در تانزانیا و کنیا را هدف قرار داده و منجر به مرگ ۲۲۴ نفر شده بود. دوازده آمریکایی به شمول دو کارمند سازمان سیا

در ماه می ۱۹۹۶ هنگامی که عربستان سعودی و آمریکا حکومت سودان را برای اخراج خانواده بن لادن تحت فشار قرار دادند، اسامه اسناد حقوقی‌ای را به فرزندان خود داد که براساس آن به برادران عمر هریک عبدالله، عبدالرحمان و سعد اختیار داده می‌شد که به نیابت از پدرشان عمل کنند. نام عمر در آن لیست نبود. اسامه به فرزندان خود گفت: «من فردا از این‌جا می‌روم. پسر عمر را با خودم می‌برم.»

در دره اسپین‌غر افغانستان، ملا نورالله، رهبر قبیله‌ای پشتون به استقبال اسامه و عمر بن لادن آمد. او با اشاره به بینی عمر آن‌را «بلند و برجسته؛ بینی یک مرد قوی» توصیف و اعلام کرد که اسامه «حالا یک پشتون افتخاری» است و کوهی در تورا بورا به او هدیه داده می‌شود.

اسباب-اثاثیه خانه‌ی جدید اسامه و عمر آوارهای جنگ بود؛ آن‌ها در پوشش زیور پیروزی بن لادن در برابر امپراتوری شوروی زندگی می‌کردند. عمر از زندگی در افغانستان، به رغم تخت‌خواب پوسیده، پوکه‌های گلوله و روزنامه‌های زرد، با عشق و علاقه یاد می‌کند. او زمان‌هایی را که با پدرش نزد کشاورزان عشایری در کوهستان افغانستان گذرانده رمانتیک می‌کند.

چهار ماه پس از ورود اسامه به افغانستان، برادران عمر نیز وارد این کشور شدند. برای فرزندان بن لادن زمان آن فرا رسیده بود که «راه راست» را دنبال کنند.

پس از ورود برادران، عمر که می‌گوید «هرگز به خاطر ندارم پدرم را از سلاحش یک متر دور دیده باشم، حتی زمانی که با مادرم بود» کلاشینکف خودش را دریافت کرد. او را به اردوگاه‌های آموزشی القاعده بردند. جایی که «تازه‌سربازان مردان سرسخت و اکثراً جوان با ریش‌های بلند بودند.» او به یاد دارد که به خاطر سهم‌گیری در علاقه‌ی پدرش، هیجان‌زده بود. او می‌گوید: «لباس مخصوص اردوگاه وجود نداشت. بنابراین برخی از تازه‌سربازان مثل طالبان، برخی دیگر مثل پشتون‌ها و برخی دیگر مثل سربازان آمریکایی یا روسی لباس می‌پوشیدند.»

عمر در اردوگاه با رادیو بازی می‌کرد. او می‌گوید: «پدرم اخبار جهان را به گونه‌ای گوش می‌داد انگار هر خبری درباره‌ی او باشد.» اما چیزی که عمر بیشتر از همه به یاد دارد ملودی‌ای بود که از رادیو پخش می‌شد. صدای فراموش‌نشده‌ی و هیپنوتیک ام کلثوم، خواننده مصری، «ستاره شرق.»

او می‌گوید: «هر آرزویی که از آن ترانه‌ها و شعرهای عاشقانه ایجاد می‌شد، در استیصال من برای ساختن زندگی جدید برای خودم پیچانده شده بود. پیام ام کلثوم مرا به این درک رساند که در کنار جهان نفرت و انتقام بن لادنی، جهان موزی دیگری وجود دارد؛ جهانی که قبلاً برایم ناشناخته بود، جایی که در آن مردم برای عشق زندگی می‌کنند و آواز می‌خوانند.»

یک سال بعد در سال ۱۹۹۷ اسامه از عمر خواست تا غذای خانواده را جیره‌بندی کند. پشت این درخواست درک عمیق‌تری نهفته بود؛ عمر باید نقش خود را در خاندان جهادی القاعده برعهده می‌گرفت. اما عمر از پدرش پیروی می‌کرد نه از ایدئولوژی او. عمر اسامه را با حقیقت تلخی روبه‌رو کرد، او گفت که

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

Annual

120\$ USD

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکت‌ها

۴۰۰۰ افغانی

۷۰۰۰ افغانی

شش ماهه

یک ساله

قیمت: ۲۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



حسین ناصری

طی بیشتر از سه دهه اخیر معلوم شد که سران حکومت افغانستان قادر به تصمیم‌گیری در مورد تعیین سرنوشت نظام نبوده‌اند، و هر بار که موضوع کلان‌کشوری مطرح شده است حتماً پای قدرت‌های بیرونی به‌عنوان میانجی در میان بوده است. نمونه‌ی بارز آن در گذشته نشست بن پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و در این اواخر هم نشست مذاکره‌کنندگان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان در دوحه قطر. افغانستان در حال گذار از یک مرحله حساس سیاسی است. اما با توجه به وضعیت کنونی که فرقه‌گرایی درون‌قومی، نژادی، سمتی و حاکم‌بودن انارشی در این سرزمین بیداد می‌کند، گذر از این وضعیت به‌راحتی امکان‌پذیر به‌نظر نمی‌رسد. نباید فراموش کرد کشورهایی که از راه دوستی و همکاری با افغانستان نزدیک شده‌اند منافع خودشان را نسبت به منافع مردم افغانستان ارجحیت می‌دهند.

برگزاری نشست آنکارا به خواست امریکا

وزارت خارجه ایالات متحده امریکا در نامه‌ای به رییس‌جمهور غنی با صراحت یادآور شده که از ترکیه می‌خواهد تا نشست‌های را همانند نشست بن دایر کند که بتواند طرف‌های درگیر جنگ با حضور نمایندگان بین‌المللی در آن به مذاکره پرداخته و آینده سیاسی کشور را رقم بزند. ترکیه یکی از کشورهایی است که نه تنها هم‌پیمان امریکا در سازمان ناتو به‌شمار می‌رود که از لحاظ موقعیت حساس ژئوپولیتیک در میان کشورهای خاورمیانه به‌ویژه آسیا و اروپا اهمیت به‌سزایی دارد و از گذرگاه سیاسی-مذهبی هم نزدیک به کشورهای منطقه و اسلامی است. از این رو آنکارا می‌تواند به‌خوبی آنچه را که اسلام‌گرایان و جمهوری‌خواهان بر آن تأکید می‌ورزند محوریت همه‌جانبه‌ای را در این زمینه تشکیل دهد. ترکیه از یک‌طرف روابط دیرینه دوستی با افغانستان دارد که این کشور را در عرصه‌های مختلف تاکنون همکاری کرده است، از طرفی هم این کشور از نگاه مذهبی که طالبان بیشترین تمرکزشان روی دین و برقراری نظام اسلامی است مورد تأیید هر دو طرف مذاکرات بین‌الافغانی برای میزبانی به‌شمار می‌رود. اما این که امریکا چرا از ترکیه خواسته است تا نشست بین‌الافغانی را میزبانی کند بحث مفصلی است ولی قطعاً این موضوع متأثر از صفحه‌ی جدید روابط آنکارا و واشنگتن به‌دور نمی‌باشد.

اهمیت نشست آنکارا برای ترکیه

ترکیه هم‌اکنون با سیاست‌های عثمانی‌گرایی (اسلامیت و جهان‌بیداری اسلامی) اهداف زیادی را در حوزه بین‌الملل دنبال می‌کند، مهم‌ترین آن این است که به یک قدرت مهم منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شود و تا سال ۲۰۲۳ که صدمین سالگرد تأسیس ترکیه نوین است به یکی از ده قدرت اقتصادی برتر در جهان تبدیل شود. در این راستا مقامات این کشور معتقدند که باید گفت‌وگو ملی و گفت‌وگو سیاست خارجی این کشور در یک راستا و موازی با هم حرکت کنند تا در پی‌گیری اهداف خود با مشکل روبه‌رو نشوند.

منافع ترکیه در مذاکرات صلح افغانستان

آنکارا به دنبال چیست؟



منطقه‌ای است که عمدتاً با هدف همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی و امنیتی تأسیس شده است. برپیناد گزارش‌ها سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۱۲ ترکیه را به‌عنوان شریک گفت‌وگوی خود تعیین کرد و این کشور به طور مرتب در نشست سالانه سازمان شانگهای شرکت کرده و از این طریق با هربار فشار وارد کردن غرب، با نزدیکی به این سازمان علیه آنان موضع گرفته است.

روی‌هم‌رفته با میزبانی از نشست بین‌الافغانی که کشورهای منطقه نیز در آن سهم فعال و ارزنده‌ای خواهند داشت ترکیه می‌تواند هم حسن‌نیت‌اش در قبال افغانستان را نشان دهد هم می‌تواند سیاست‌های منطقه‌ای خود را در قالب همکاری‌های امنیتی و بیرون‌کشوری دنبال نماید و مؤثریت خود را به رخ جهانیان و اروپا بکشد.

اما نباید فراموش کرد که هم‌اکنون ترکیه در دو جناح مخالف فکری قرار دارد، یکی دلبستگی سیکولاریسم و دیگری اسلام‌گرایان. آزادی‌های فردی و اجتماعی از طرز تفکر گروه اولی، همه مسائل با رنگ اسلامی و دینی هم مبنای دید جناح دومی را شکل می‌دهد. سیکولارها آنانی را تشکیل می‌دهند که بیشتر عضویت در حزب جمهوری خلق ترکیه را دارند، حزبی که قدیمی‌ترین جریان سیاسی در جمهوری ترکیه و مهم‌ترین حزب چپ میانه این کشور است که گرایش‌های ملی‌گرایانه، سوسیالیست و لائیک دارد و در انترناسیونال سوسیالیست و حزب سوسیالیست‌های اروپایی عضویت دارد. این حزب در نهم سپتامبر سال ۱۹۲۳ از سوی مصطفی کمال آتاترک رهبر جمهوری نوین ترکیه تأسیس شده است که فعلاً از اپوزیسیون‌های قوی این کشور در حکومت‌داری اردوغان به‌شمار می‌رود. از سویی هم تطبیق نظام اسلامی و شریعت از پایه‌های امپراتوری عثمانی به‌شمار می‌رود. آنچه

را که حالا حزب عدالت و توسعه بر آن تأکید داشته و سیاست‌های ضد غرب‌گرایی که بیشتر بر دموکراسی تکیه دارد را روی دست گرفته است.

عدالت و توسعه حزب سیاسی حاکم در ترکیه از سال ۲۰۰۲ تاکنون است. این حزب خود را جزو احزاب راست‌گرا و میانه معرفی می‌کند. عدالت و توسعه از هنگام تأسیس خود را به‌عنوان یک حزب طرفدار غرب و طرفدار امریکا در فضای سیاسی ترکیه مطرح کرده که از اقتصاد بازار آزاد لیبرالی و عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا حمایت می‌کند. بدنه اجتماعی این حزب طیف وسیعی از گرایش‌های راست‌گرا شامل اسلام‌گراها، اصلاح‌طلبان اسلام‌گرا، محافظه‌کاران، ملی‌گراها، راست‌های میانه و طرفداران تجارت را در بر می‌گیرد. مؤسسين و اعضای ارشد کنونی این حزب از شاگردان نجم‌الدین اربکان، رهبر حزب‌های اسلام‌گرای رفاه، فضیلت و سعادت بودند که در سال ۲۰۰۱ از آن منشعب شده ولی همچنان عنوان اسلام‌گرایی را به دنبال خود می‌کشند.

حزب عدالت و توسعه در ۱۴ اگست سال ۲۰۰۱ رسماً به فعالیت آغاز کرد و پیدایش این حزب هم ریشه در مسائل عقیدتی داشته که از آن جمله تنش بالای پوشش حجاب زنان در مراکز رسمی بوده است و این موضوع از دلایل اصلی تنش با طرز تفکر سیکولارگرایان به‌شمار می‌رفت. با چنین یک جو حاکم در ترکیه آنچه مسلم است اینست که با رونق گرفتن فضای اسلام‌گرایی در این کشور و نیز سیاست‌های جدید غرب‌ستیزی از سوی رییس‌جمهور اردوغان و حزب تحت رهبری او یعنی عدالت و توسعه، هم‌اکنون فکر می‌شود که گروه طالبان عملاً علیه امریکا در افغانستان در جهاد مقدس به‌سر می‌برند، و گمان می‌رود ترکیه از اینکه عملاً در برخی مواقع مخالف سیاست‌های امریکا می‌باشد با عملکرد گروه طالبان موافق است و یا اگر هم چنین نباشد

این کشور از موضع گروه طالبان به‌طور ضمنی در مقابل امریکا حمایت می‌نماید. چنانچه این جنگ سرد در سوریه نیز میان ترکیه و امریکا گه‌گداری به تیرگی روابط می‌انجامد.

ناکامی نشست دوحه

هم‌اکنون گفت‌وگوهای صلح میان هیأت مذاکره‌کنندگان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان بنا بر دلایلی متوقف گردیده و به بن‌بست اعلام‌نشده رسیده است. نشستی که پس از چانه‌زنی و انتظارات زیاد به تاریخ ۱۳ سپتامبر سال ۲۰۲۰ آغاز یافت. حکومت افغانستان نخست برای کشاندن گروه طالبان از خود گذری‌های زیادی نشان داد تا حتی که خواسته‌های قربانیان جنگ و انتحاری برخاسته از اعمال این گروه را نادیده گرفته و از حق مردم چشم‌پوشی کرده به تعداد پنج هزار زندانی طالب را رها کرد، امتیازدهی‌ای که باج‌دهی به طالبان خوانده می‌شود. با وجود این هرچند گروه طالبان در میز مذاکره حاضر شدند اما به حملات تروریستی‌شان شدت بخشیده و تقاضای حکومت افغانستان برای صلح را به چالش کشیدند.

در هر صورت روند مذاکرات صلح به درازا کشیده شده و زمان به نوعی به نفع طالبان تمام شد، طوری که زمینه آن را مساعد ساخت طالبان به سفرهای منطقه‌ای و دیدارهای شبه‌دیپلماتیک از جمله پاکستان حامی دایمی آن‌ها، ایران و روسیه پرداختند و اکنون به‌عنوان یک قوه بارز در اذهان جامعه بین‌المللی و کشورهای منطقه قدعلم کرده‌اند.

روی‌هم‌رفته از این که اداره جدیدی در ایالات متحده امریکا به رهبری جو بایدن روی کار آمده است می‌باید هر چه زودتر به موضوع افغانستان رسیدگی شود، موضوعاتی که بیشتر از لحاظ تأمین صلح، ثبات سیاسی و خروج نیروهای امریکا از این کشور منشأ می‌گیرد.

فراموش نباید کرد که تشکیل حکومت همه‌شمول و قابل قبول، تأمین صلح و ختم جنگ، تأمین عدالت اجتماعی و ثبات سیاسی از یک‌طرف و در نظر گرفتن مداخلات کشورهای منطقه نسبت به موقعیت ژئوپولیتیک افغانستان مواردی است که اقدامات امریکا را در این راستا به چالش مواجه خواهد ساخت.

افغانستان از لحاظ داشتن موقعیت خوب جغرافیایی شهره است و از دیر زمانی کشورگشایان زیادی برای تسخیر و نفوذ این نقطه حساس جغرافیایی همواره در رقابت بوده اند. هم‌اکنون این تنها امریکا نیست که عملاً حضور فعال نظامی در این کشور دارد بلکه ابرقدرت‌های زیادی همچون روسیه، انگلستان، فرانسه، آلمان، و پاکستان به همسایه مثل ایران و پاکستان به گونه مستقیم یا غیرمستقیم در جنگ‌های نیابتی در این خاک به‌سر می‌برند، موضوعی که از علت‌های اساسی شعله‌وربودن آتش جنگ در افغانستان به‌شمار می‌رود. همین موضوعات منطقه‌ای و جهانی است که افغانستان هیچ‌گاه از مداخلات بیرونی در امورات داخلی‌اش در امان نبوده و هرگونه روند ملی‌گرایانه‌ی بین‌الافغانی از جمله صلح را به چالش کشانده است.

خواندن توانستن است

فروش ویژه

شروع سال تحصیلی ۱۴۰۰ با کتاب‌های کمک آموزشی هشت پا ویژه کودکان و مکاتب از صنف اول الی صنف هشتم

انتشارات کودکان؛ ناشر پیشرو در انتشار کتاب و مواد آموزشی برای کودکان و مکاتب

- ➊ فروشگاه مرکزی: کارن، کارن ۴، چهارراه بل سرخ، مارکت تجاری ملی، مجتمع کتابستان منزل اول، انتشارات و فروشگاه کودکان ☎ ۰۷۵۴۹۹۲۳۲ - ۰۷۵۴۹۹۲۳۱
- ➋ مدرس نمایندگی های ولایت
- ➌ نمایندگی ۱ مزار شریف: جاده زینت‌الوجه، ماما ابراهیم، نزدیک مدرسه سلطانیه، پوشتان فرهنگي گل فردا ☎ ۰۷۷۸۸۱۸۱ - ۰۷۷۸۸۱۸۰
- ➍ نمایندگی ۲ مزار شریف: نمایندگی بین‌المللی دانش‌کتاب سعادت، مقابل کتابفروشی بهیمنی ☎ ۰۷۷۹۰۰۹۲۹ - ۰۷۷۹۰۰۹۲۸
- ➎ نمایندگی ۳ هرات: جریبل، چهارده منری بالا، روی روی سوز کولا، کتابسرای جعفری ☎ ۰۷۸۳۸۹۸۱۳ - ۰۷۸۳۸۹۸۱۲
- ➏ نمایندگی ۴ هرات: چوک کلاه، جنب کتابخانه جامع، انتشارات فرهنگی ☎ ۰۷۷۶۶۵۷۸۱ - ۰۷۷۶۶۵۷۸۰
- ➐ نمایندگی باغیان، بازار باغیان، موز مارکت، سبزی و میوه فروشی، کتابفروشی معرفت ☎ ۰۷۳۰۶۶۱۰۰۹ - ۰۷۳۰۶۶۱۰۰۸